

سخنان منسوب به
رئیس کل بانک مرکزی
در مجلس حاشیه‌ساز شد

۶
توسعه

۵۱ نماینده در نامه‌ای
به رئیس‌جمهور خواستار
فیلتر واتس‌آپ شدند

درخواست مجلس برای فیلترینگ بیشتر

۲
سیاست

جوابیه

پاسخ ثابتی به سازندگی:

**اگر مبارزه با اختلاس
و فساد تندروی است
به تندر و بودنم افتخار می‌کنم**



پس از انتشار گزارش «نماینده آمارهای جعلی» که مستند به واکنش قوه قضائیه و خبرگزاری تسنیم به اظهارات آقای امیرحسین ثابتی بود، ایشان پاسخی برای روزنامه ارسال کرده و خواستار آن شدند که عیناً باعکس و تیتربیشنهای خودشان منتشر شود. متن توضیحات ایشان در پی می‌آید:

جناب آقای اقتناعی

مدیرمسئول روزنامه سازندگی

در گزارش تخریبی که روز سه‌شنبه ۲۵ آذر در صفحه اول روزنامه با عنوان «نماینده آمارهای جعلی» درباره اینجانب منتشر کرده‌اید، موارد متعددی از دروغ و تحریف واقعیت وجود دارد که ضروری است طبق قانون مطبوعات، پاسخ اینجانب را با تیتربیشن ثابتی به سازندگی؛ اگر مبارزه با اختلاس و فساد تندروی است به تندر و بودنم افتخار می‌کنم» و در همان صفحه اول و در همان اندازه‌ای که گزارش مذکور را منتشر کرده‌اید، به‌چاپ برسانید.

ابتدا در اقدامی غیرحرفه‌ای در کنار اسم بنده صفت «تندرو» را ذکر کرده‌اید اما توضیح نداده‌اید بنده چرا تندرو هستم؟ آیا ایستادگی بر حقوق مردم در برابر مفسدان اقتصادی و اختلاس‌گران و افشاگری علیه کسانی که سال‌ها با منابع مالی رانتی و پول‌های بیت‌المال فربه شده‌اند، اسمش تندروی است؟ اگر در منظومه فکری شما نباید با کارتل‌های مافیایی درافتاد و اسم این حرکت تندروی است، بنده به تندرو بودنم در مسیر مبارزه با مفاسد اقتصادی، افتخار می‌کنم و معتقدم اگر دیگران نیز به‌جای کندروی و برجسب‌زنی در این رابطه به مبارزه با فساد مشغول می‌شدند، حتماً امروز جامعه بهتری داشتیم.

در بخش دیگری از گزارش نادرست‌تان مدعی شده‌اید، بنده اصولگرا هستم، درحالی که بارها اعلام کرده‌ام هیچ نسبتی با این جریان ندارم و در انتخابات مجلس نیز با آنها رقابت کردم چون اصولگرایان را لبه دیگر قیچی اصلاح‌طلبان در اشرافیت می‌دانم.

ادامه در صفحه ۸

یادداشت روز

جدال روایت‌ها

مذاکرات محرمانه؛

گره‌گشای روابط تهران-واشنگتن

عبدالرضا فرجی‌راد

استاد ژئوپلیتیک



در نشست اخیر شورای امنیت سازمان ملل متحد که ذیل دستورکار «عدم اشاعه» و برای بررسی نحوه اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ برگزار شد، تلاش تازه‌ای برای بازتعریف روایت غرب از پرونده هسته‌ای ایران شکل گرفت. این قطعنامه مبنای تأیید برجام بود؛ توافقی که با خروج آمریکا و تداوم بدعهدی اروپا عملاً از ریل اولیه خود خارج شد. آنچه این نشست را مهم می‌کند، نه محتوای حقوقی آن بلکه تلاش هماهنگ اروپا و آمریکا برای جا انداختن چارچوبی تازه است؛ چارچوبی که روسیه و چین با آن همراهی نکرده‌اند و همچنان فعال‌سازی مکانیسم ماشه را ناموجه می‌دانند. با این حال غرب می‌کوشد، برگزاری دوره‌ای این جلسات در بازه‌های ۶ ماهه را تثبیت کند تا «روایت مطلوب» خود را به‌تدریج به اجماع بدل سازد.

پشت صحنه این روند، هدفی روشن دیده می‌شود: عادی‌سازی مطالبه «غنی‌سازی صفر درصد» در ایران و القای این تصور که هر گزینه‌ای جز این، تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است. در کنار آن، این نشست‌ها ابزاری برای مدیریت رفتار سایر کشورها نیز هست؛ پیامی بازدارنده که می‌کوشد، هزینه تعامل با تهران را افزایش دهد.

ادامه در صفحه ۳



مناقشه غنی‌سازی

مورگان اورتگاس، نماینده آمریکا در سازمان ملل گفت:

آماده مذاکره با تهران هستیم، اما هیچ غنی‌سازی‌ای در داخل ایران نمی‌تواند انجام شود

امیرسعید ایروانی، نماینده ایران در سازمان ملل نیز گفت:

آمریکا با اصرار بر سیاست غنی‌سازی صفر به دنبال مذاکره منصفانه نیست



فرانسه، آلمان و بریتانیا بود؛ کشورهایی که مدعی‌اند با فعال کردن این سازوکار، تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران که ذیل برجام تعلیق شده بود، دوباره برقرار شده است. در این جلسه، مواضع اعضا درخصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران همچنان دچار اختلاف‌نظر بود؛ بین گروهی که از بازگرداندن تحریم‌ها حمایت می‌کنند و گروهی که معتقدند، تحریم‌ها باید به‌طور دائم لغو شوند.

«اوسیلی نینزیا» نماینده روسیه، تلاش برای بازگشت تحریم‌ها علیه ایران را فاقد

ادامه در صفحه ۳



اشاعه» برگزار کرد تا اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ مصوب ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ را بررسی کند؛ قطعنامه‌ای که توافق جامع اقدام مشترک (برجام) درباره برنامه هسته‌ای ایران را تأیید کرده است. این نشست به درخواست کشورهای دانمارک، فرانسه، یونان، جمهوری کره، اسلونی، انگلیس و ایالات متحده برگزار شد و پاناما نیز از این درخواست حمایت کرد.

نشست سه‌شنبه، نخستین جلسه شورای امنیت پس از فعال شدن مکانیسم ماشه توسط تروئیکای اروپایی شامل

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



نشست شورای امنیت سازمان ملل با جدال لفظی نمایندگان تهران و واشنگتن و حضور سایر اعضا، بدون نتیجه مشخصی به پایان رسید. سازندگی در این گزارش به واکاوی حواشی و پیامدهای این جلسه می‌پردازد.

شورای امنیت سازمان ملل متحد، روز سه‌شنبه نشست را تحت دستورکار «عدم



سال هشتم شماره ۲۱۴۷
پنج‌شنبه ۴ دی ۱۴۰۴

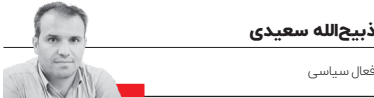


بررسی رویدادهای سیاسی

دیدگاه: یادداشت وارده

معمای امنیت و سوءبرداشت راهبردی

آزمایش‌های موشکی ایران و منطق آمادهباش در تقابل با اسرائیل



ذبیح‌الله سعیدی

فعال سیاسی

آزمایش‌های موشکی ایران و همزمانی آن با وضعیت‌های متناوب آمادهباش میان ایران و اسرائیل را نمی‌توان صرفاً در چارچوب رقابت نظامی یا نمایش قدرت تفسیر کرد. این تحولات بیش از هر چیز بازتاب یکی از بنیادی‌ترین مسائل نظری در روابط بین‌الملل هستند: معمای امنیت؛ وضعیتی که در آن اقدامات یک بازیگر برای افزایش امنیت خود به‌طور ناخواسته امنیت دیگران را تهدید می‌کند و در نتیجه چرخه‌ای از سوء برداشت، واکنش متقابل و تشدید تنش شکل می‌گیرد. در چنین چارچوبی، مسئله اصلی نه «نیت واقعی» بازیگران بلکه «ادراک نیت‌ها» در محیطی آکنده از بی‌اعتمادی ساختاری است.

در ادبیات نظری روابط بین‌الملل، به‌ویژه در سنت واقع‌گرایی، نظام بین‌الملل به‌مثابه نظامی آنارشیک تعریف می‌شود که در آن هیچ مرجع نهایی برای تضمین امنیت دولت‌ها وجود ندارد. در این فضا، دولت‌ها ناگزیرند امنیت خود را خودشان تأمین کنند و همین الزام ساختاری، آنان را به سمت افزایش توان نظامی سوق می‌دهد. اما همان‌گونه که در نظریه‌های متعارض روابط بین‌الملل تأکید شده است این کنش عقلانی از منظر یک بازیگر لزوماً به همان شکل توسط بازیگر مقابل درک نمی‌شود. شکاف میان قصد و برداشت، هسته اصلی معمای امنیت را می‌سازد.

از این منظر، آزمایش‌های موشکی ایران را می‌توان در چارچوب راهبرد بازدارندگی تحلیل کرد؛ راهبردی که هدف آن افزایش هزینه‌های هرگونه اقدام خصمانه و در نتیجه کاهش احتمال درگیری است. در ادبیات امنیتی ایران، توان موشکی به‌عنوان جایگزینی برای محدودیت‌های ساختاری در سایر حوزه‌های قدرت سخت تلقی می‌شود و کارکردی اساساً دفاعی برای آن تعریف می‌گردد. با این حال اسرائیل این توانمندی را نه در خلأ بلکه در پیوند با مجموعه‌ای از متغیرهای راهبردی ازجمله جایگاه منطقه‌ای ایران، دکترین امنیتی تهران و الگوهای کنش غیرمستقیم، تفسیر می‌کند. نتیجه آن است که آنچه در نگاه ایران ابزار بازدارندگی است در ادراک اسرائیل به ظرفیت بالقوه، تهدیدآفرین بدل می‌شود.

در چنین شرایطی، اعلام یا اعمال وضعیت‌های آمادهباش نظامی بیش از آنکه نشانه تصمیم به جنگ باشد، محصول منطق احتیاط در محیطی پرابهام است. اما همین آمادهباش‌ها به‌ویژه در غیاب کانال‌های ارتباطی مستقیم و سازوکارهای شفاف‌سازی، می‌تواند از نسوی طرف مقابل به‌عنوان نشانه‌ای از قصد پیش‌دستانه تعبیر شود. این همان وضعیتی است که نظریه‌پردازان واقع‌گرا از آن به‌عنوان «تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ» یاد می‌کنند: تراژدی‌ای که در آن حتی کنش‌های عقلانی و تدافعی نیز می‌توانند به پیامدهای ناخواسته و بی‌ثبات‌کننده منجر شوند.

تجربه‌های تاریخی نظام بین‌الملل نشان می‌دهد که این الگوی ادراکی منحصر به‌خاورمیانه یا روابط ایران و اسرائیل نیست. در دوران جنگ سرد، رقابت تسلیحاتی میان ایالات متحده و اتحاد شوروی، به‌رغم فقدان نیت آشکار برای جنگ مستقیم، بر پایه بدترین سناریوهای ادراکی بنا شده بود. هر یک از طرفین، افزایش توان دفاعی طرف مقابل را نشانه‌ای از آمادگی تهاجمی تلقی می‌کرد و همین برداشت به تشدید بازدارندگی و همزمان افزایش ریسک منجر می‌شد. این تجربه تاریخی نشان می‌دهد که معمای امنیت، بیش از آنکه محصول بدخواهی باشد، زاده عدم قطعیت و ترس از غافلگیری است.

در سطح منطقه‌ای نیز پیچیدگی محیط امنیتی و حضور بازیگران ثالث بر ابهام نیت‌ها می‌افزاید. نشریات تخصصی فارسی‌زبان در حوزه امنیت بین‌الملل بارها تأکید کرده‌اند که در چنین فضاهایی، اطلاعات ناقص، روایت‌های گریزنی و تفسیرهای سیاسی‌شده از تحولات نظامی، نقش مهمی در شکل‌دهی به ادراک تهدید ایفا می‌کنند. در نتیجه، تصمیم‌گیران ناچارند نه براساس داده‌های قطعی بلکه بر مبنای برآوردهایی عمل کنند که همواره با احتمال خطا همراه است.

در نهایت، تنش‌های موشکی و آمادهباش‌های متقابل میان ایران و اسرائیل را باید بیش از آنکه نشانه حرکت اجتناب‌ناپذیر به سوی جنگ دانست، بازتاب یک وضعیت ساختاری ناپایدار تلقی کرد که در آن، فقدان اعتماد و سازوکارهای مدیریت بحران، معمای امنیت را تشدید کرده است. استمرار این وضعیت حتی بدون اراده آگاهانه برای درگیری، می‌تواند سطح ریسک راهبردی را افزایش دهد و احتمال بروز خطاهای محاسباتی را بالا ببرد.

از این‌رو، فهم دقیق سازوکارهای ادراکی و نظری این تقابل، شرط لازم برای تحلیل واقع‌پیمانه تحولات امنیتی و پرهیز از سادسازی‌های خطرناک در سیاست بین‌الملل است.

درخواست مجلس برای فیلترینگ بیشتر

۵۱ نماینده در تذکری کتبی به رئیس‌جمهور، خواستار «بازنگری در تصمیم آزادسازی واتس‌آپ» شدند

دولت در موقعیتی قرار گرفته که نه توان اجرای کامل تصمیم‌ها را دارد و نه می‌تواند یک راهبرد منسجم و بلندمدت طراحی کند. رفع فیلتر واتس‌آپ هم، مانند دسترسی محدود به یوتیوب، بیشتر واکنشی به فشارهای اجتماعی بوده تا بخشی از یک برنامه جامع و مشخص. همین نبود راهبرد روشن نیز باعث شده که مخالفت‌ها و تذکرها‌ی سیاسی خیلی زود دوباره مطرح شوند. در نتیجه، دولت فعلی که با وعده بهبود وضعیت اینترنت و رفع فیلترینگ روی کار آمده حالا در شرایط پیچیده‌ای قرار دارد. از یک طرف با رأی مثبت به رفع فیلتر واتس‌آپ و گوگل‌پلی در شورای عالی فضای مجازی، قدمی در جهت عمل به وعده‌هایش برداشته است. از طرف دیگر با فشار جریان‌های تندرو در مجلس و برخی نهادهای روبه‌روست که این تصمیم را خلاف امنیت ملی می‌دانند و خواهان بازگشت محدودیت‌ها هستند.

دولت در برابر فیلترینگ

موضع دولت در این اختلاف‌ها تا حد زیادی مشخص است. دولت پیش از این بارها تأکید کرده که فیلتر کردن پلتفرم‌هایی مثل واتس‌آپ نه مشکل نفوذ و جاسوسی را حل می‌کند و نه امنیت را افزایش می‌دهد بلکه باعث می‌شود، میلیون‌ها کاربر به استفاده از فیلترشکن‌ها روی بیاورند و در نتیجه هزینه‌های اقتصادی و امنیتی بیشتری به جامعه تحمیل شود. از نگاه دولت حذف کامل این پلتفرم‌ها از زندگی دیجیتال مردم عملاً امکان‌پذیر نیست و سیاست‌گذاران باید این واقعیت را بپذیرند. در همین راستا کارشناسان حوزه فضای مجازی هم تأکید می‌کنند که راه‌حل پایدار، مسدودسازی نیست بلکه حرکت به سمت «رگولآوری هوشمند» و تقویت واقعی پلتفرم‌های داخلی در یک فضای رقابتی است؛ تقویتی که فقط زمانی معنا دارد که کاربران بتوانند، آزادانه انتخاب کنند نه اینکه با اجبار و حذف رقیب خارجی مواجه شوند. آنچه امروز در قالب تذکر ۵۱ نماینده دیده می‌شود فقط مربوط به یک پیام‌رسان نیست. موضوع اصلی رابطه حاکمیت با جامعه دیجیتال، شیوه پاسخ دادن به خواسته‌های نسل جدید و نحوه مدیریت امنیت در دنیای ارتباطات امروز است. تا زمانی هم که نگاه امنیتی بر فضای مجازی حاکم باشد و همزمان یک جایگزین داخلی رقابتی و قابل اعتماد شکل نگیرد این چرخه معیوب ادامه پیدا خواهد کرد. محدود کردن دوباره واتس‌آپ نه منطقی است و نه کارآمد. تجربه نشان داده که جامعه راه ارتباط خود را پیدا می‌کند؛ چه با مجوز و چه بدون مجوز. در این میان هم سوال اصلی این است که آیا سیاستگذار می‌خواهد همراه این واقعیت حرکت کند یا همچنان با آن درگیر بماند؟ در نهایت به‌نظر می‌رسد، سرنوشت فضای مجازی در ایران بیش از آنکه بر پایه ملاحظات فنی و کارشناسی باشد به معادلات پیچیده سیاسی و توازن قدرت میان جریان‌های مختلف گره خورده است؛ توازنی که باید به‌نفع عقلانیت، شفافیت و اعتماد عمومی تغییر کند. تا زمانی هم که یک راهبرد منسجم و مورد توافق همه نهادهای درگیر وجود نداشته باشد و نگاه امنیتی بر این فضا غالب باشد، ماجرای فیلترینگ و مشکلات آن همچنان ادامه خواهد داشت.

اقتصادی، کسب‌وکارهای کوچک و مشاغل اینترنتی با مشکلات جدی روبه‌رو شده‌اند و خسارت‌های بزرگی به اقتصاد دیجیتال کشور وارد شده است. بازار فیلترشکن‌ها که براساس آمارهای غیررسمی گردش مالی هزاران میلیارد تومانی دارد، ذی‌نفعان قدرتمندی پیدا کرده و ادامه فیلترینگ عملاً بقای این بازار سیاه را تضمین می‌کند؛ بازاری که نه مالیات می‌دهد، نه پاسخگوست و نه تحت‌نظارت شفاف قرار دارد. از نظر اجتماعی هم فیلترینگ باعث کاهش اعتماد عمومی، انزوای اطلاعاتی و گسترش استفاده از ابزارهای ناامن برای دسترسی به اطلاعات شده است. در همین حال، استفاده بیش از ۸۰ درصد کاربران اینترنت



در ایران از فیلترشکن‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد که سیاست‌های محدودکننده تا چه اندازه ناکارآمد بوده‌اند.

زمان‌بندی یک تذکر معنادار

با توجه به تجربه‌های گذشته، مطرح شدن محدودسازی دوباره واتس‌آپ در شرایطی که جامعه با مشکلات جدی معیشتی، تورم بالا و نااطمینانی اقتصادی روبه‌روست بیش از هر چیز این گمان را تقویت می‌کند که این تصمیم‌ها، اهداف سیاسی دارد. به‌ویژه از آن جهت که رفع فیلترینگ یکی از معدود خواسته‌های اجتماعی است که هزینه زیادی برای دولت ندارد اما اثر اجتماعی بالایی دارد؛ خواسته‌ای که تحقق آن می‌تواند تا حدی اعتماد از دست‌رفته میان مردم و حاکمیت را ترمیم کند. در چنین شرایطی و درحالی که بخشی از جامعه به احتمال رفع فیلتر تلگرام امیدوار شده، تذکر ۵۱ نماینده را می‌توان تلاشی پیشدستانه برای وارد کردن فشار سیاسی به دولت دانست؛ فشاری که تنها متوجه رئیس‌جمهور نیست و شورای عالی فضای مجازی را هم هدف گرفته است. تصمیم نهایی درباره فیلترینگ در اختیار شورای عالی فضای مجازی است؛ شوری که نمایندگانی از سه قوه همچنین نهادهای امنیتی و نظامی در آن حضور دارند. گرچه همین تنوع اعضا و تفاوت در اولویت‌ها باعث شده که تصمیم‌گیری در این حوزه به فرآیندی پیچیده، پراکنده و زمانبر تبدیل شود. نکته قابل توجه اینکه به گفته فیروزآبادی، دبیر پیشین شورای عالی فضای مجازی حتی قوا نیز با رفع فیلترینگ موافق هستند اما ساختار پیچیده تصمیم‌گیری، مانع از عملی شدن این نظر شده است. این وضعیت همچنین شکاف عمیقی میان سیاستگذاری و اجرا ایجاد کرده و باعث بی‌ثباتی در فضای مجازی کشور شده است. در نتیجه



عاطفه شمس

گروه سیاسی

در تازه‌ترین پرده از نمایش پرکشمشک فیلترینگ در ایران و درحالی که هنوز جامعه منتظر عملی شدن وعده‌های دولت درباره آزادی‌های دیجیتال است، تذکر کتبی روز گذشته ۵۱ نماینده مجلس به رئیس‌جمهور برای «بازنگری در تصمیم رفع فیلتر واتس‌آپ» نشان داد، ماجرای فیلترینگ در ایران نه‌تنها پایان‌یافتنی نیست بلکه وارد مرحله تازه‌ای از تقابل سیاسی هم شده است. تذکر برای محدودیت واتس‌آپ در شرایطی به رئیس‌جمهور ارائه شد که تنها مدت کوتاهی از رفع فیلتر واتس‌آپ گذشته است. مخالفت‌هایی که اگرچه با عنوان «نگرانی‌های امنیتی» مطرح می‌شود اما به‌نظر می‌رسد، موضوعش فقط واتس‌آپ نباشد. برخی تحلیلگران معتقدند که پشت این اختلاف، جدالی بزرگ‌تر بر سر میزان اختیار دولت، نوع نگاه به فضای مجازی و مسیر کلی سیاستگذاری دیجیتال کشور وجود دارد؛ جدالی که ابعاد سیاسی و جناحی هم دارد و همچنان ادامه‌دار است.

داستانی تکراری با نتایج مشخص

مخالفت با رفع فیلتر پیام‌رسان‌های خارجی در ایران موضوع تازه‌ای نیست؛ از تلگرام گرفته تا اینستاگرام و حتی یوتیوب. هر بار که صحبت از بازگشایی یا کاهش محدودیت‌ها شده، برخی جریان‌ها در مجلس و نهادهای تصمیم‌گیر با اشاره به «تهدیدبات امنیتی، فرهنگی و اخلاقی» در برابر آن ایستاده‌اند. با این حال، این مخالفت معمولاً به نتیجه‌ای ملموس برای کاربران منجر نشده است. تجربه تلگرام نمونه روشنی از این وضعیت است؛ پیام‌رسانی که فیلتر شد اما هرگز از زندگی دیجیتال مردم ایران حذف نشد. نهادهای امنیتی همواره تأکید کرده‌اند که پلتفرم‌های خارجی می‌توانند، ابزار جاسوسی یا نفوذ فرهنگی باشند و به همین دلیل خواستار محدود کردن آنها هستند. اما منتقدان این نگاه می‌پرسند اگر امنیت واقعاً در اولویت است چگونه می‌توان وضعیت فعلی فیلترشکن‌ها را نادیده گرفت؟ وضعیتی که باعث شده، میلیون‌ها کاربر به استفاده از ابزارهای ناشناس، ناامن و گاهی آلوده به بدافزار روی بیاورند و در نتیجه هرگونه امکان کنترل و اجرای سیاست‌های حفاظتی از بین برود. تجربه سال‌های اخیر نیز نشان داد که پس از اعمال محدودیت‌ها، نه مهاجرت پایدار کاربران به پلتفرم‌های داخلی اتفاق افتاد، نه امنیت داده‌ها افزایش یافت و نه وابستگی جامعه به ابزارهای خارجی کاهش پیدا کرد. درواقع فیلترینگ نه‌تنها مانع دسترسی کاربران نشد بلکه با سوق دادن آنها به استفاده از فیلترشکن‌ها، خطرات امنیتی جدیدی هم ایجاد کرده و به شکل‌گیری یک بازار سیاه و بسیار سودآور برای فروش VPN دامن زد. حالا همین منطق و همان ادبیات، دوباره درباره واتس‌آپ تکرار می‌شود؛ بدون آنکه تجربه‌های گذشته باعث بازنگری جدی در این رویکردها شده باشد. تجربه‌هایی که پیامدهای گسترده و مخرب سیاست فیلترینگ در حوزه‌های مختلف را برجسته می‌کند. از نظر

پارلمان

حمله به ایروانی

واکنش نمایندگان به اظهارات نماینده ایران در سازمان ملل درباره مذاکره با آمریکا

گروه سیاسی: مهدی کوچک‌زاده و مجتبی زارعی، نمایندگان مجلس به سخنان اخیر امیرسعيد ايروانی، نماینده ایران در سازمان ملل، درباره آمادگی برای مذاکره با آمریکا واکنشی تند نشان دادند. ایروانی در نشست شورای امنیت گفته بود که ایران آمادۀ گفت‌وگوی منصفانه با آمریکاست و این مذاکرات باید با احترام به حقوق ملی و قوانین بین‌المللی انجام شود.

کوچک‌زاده در جلسه روز گذشته مجلس و در تذکری شفاهی خطاب به ایروانی گفت که اظهارات او در سازمان ملل درباره مذاکره با آمریکا باعث نارضایتی مردم و کاهش اعتبار سیاست خارجی کشور شده است. او تأکید کرد که منافع ملت ایران و استقلال آن اولویت اصلی است و تصریح کرد، ایران «نیاز به مذاکره با گرگ ندارد». این نماینده اصولگرا همچنین پرسید، ایروانی «به چه حقی» چنین سخنانی را در سازمان ملل مطرح کرده و افزود که این نوع دیپلماسی عامل مشکلات اقتصادی و گرانی‌هاست.

همزمان مجتبی زارعی نیز در واکنش به اظهارات ایروانی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که هرگونه مذاکره با آمریکا «خلاف شأن قدرت ملی» است و نشانه ضعف در تشخیص سیاست خارجی کشور تلقی می‌شود. او همچنین گفت که ایران

باید مواضع قاطعانه خود را حفظ کند و هرگونه نرمش در مقابل واشنگتن به ضرر منافع ملی خواهد بود. او همچنین ضمن زیر سوال بردن زمان این اعلام آمادگی به کنایه خطاب به عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، پرسید: «مگر بنسا نبود مأموریت جناب ایروانی در سازمان ملل پایان‌یافت؟!».

این حملات لفظی در حالی رخ داد که ایروانی در نشست روز گذشته شورای امنیت سازمان ملل در پاسخ به پیشنهاد نماینده آمریکا برای «مذاکرات مستقیم و معنادار» ضمن استقبال از گفت‌وگوی «عادلانه و معنادار» تأکید کرد که این مذاکرات باید در چارچوب احترام به حقوق ملی و قوانین بین‌المللی باشد. او همچنین سیاست «غنی‌سازی صفر» را قاطعانه رد کرد و آن را مغایر با حقوق ایران دانست و تأکید کرد که جمهوری اسلامی «تحت هیچ فشار و ارعابی تسلیم نخواهد شد». نماینده ایران، حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران را «نقض آشکار منشور سازمان ملل» خواند و از شورای امنیت خواست تا در مقابل نقض قوانین بین‌المللی توسط آمریکا و اسرائیل اقدام کند، در غیر این صورت اعتبار خود را از دست خواهد داد. ایروانی همچنین با صراحت اعلام کرد که قطعنامه ۲۳۳۱ این شورا در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ منقضی شده و دیگر «هیچ اثر قانونی یا وظیفه

اجرایی ندارد». او این نشست را فاقد مبنای حقوقی دانست و شورا را به «تحریف حساب‌شده» قطعنامه و «انتشار عمدی اطلاعات نادرست» درباره برنامه هسته‌ای ایران متهم کرد.

از سوی دیگر، عراقچی در واکنش به اظهارات نماینده آمریکا در شورای امنیت، موضع ایالات متحده را «دیکنه کردن و نه مذاکره» خواند. او با اشاره به حملات گذشته به تأسیسات هسته‌ای ایران گفت: «دست دراز کردن برای دیپلماسی» به این معنا نیست که بمب‌افکن بفرستید و بعد با افتخار، ناکامی آنها را موقفیت جلوه دهید.

واکنش این نمایندگان در مقابل اظهارات دیپلمات‌های ارشد کشور، نشان‌دهنده اختلاف دیدگاه‌های داخلی درباره سیاست خارجی ایران است. جناح‌های اصولگرا هرگونه مذاکره مستقیم با آمریکا را تهدیدی برای استقلال و امنیت کشور می‌دانند، درحالی که دیپلمات‌ها در مجامع بین‌المللی با گفت‌وگوی محدود و منصفانه سعی دارند، فشارها را کاهش دهند و بحران‌ها را مدیریت کنند. به این ترتیب نحوه اداره مذاکرات و مواضع دیپلماتیک ایران در سطح بین‌المللی همچنان مسئله‌ای حساس و تعیین‌کننده برای ثبات سیاسی و اقتصادی کشور باقی مانده است.

سفر بی‌بازگشت

نظامی ارشد لیبی و هیأت همراه در ترکیه کشته شدند



سناریو مطرح شده اما با توجه به پیچیدگی شرایط منطقه و حساسیت‌های سیاسی و نظامی، تمام احتمالات تا زمان اعلام نتایج نهایی تحقیقات مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این حادثه همچنین پرسش‌هایی درباره ایمنی پروازهای مقامات ارشد نظامی و مدیریت بحران در شرایط اضطراری مطرح کرده است. کارشناسان معتقدند بررسی دقیق مسیر پرواز، سیستم‌های فنی و نحوه پاسخگویی خلبانان و کنترل ترافیک هوایی می‌تواند به شفاف‌سازی ابعاد حادثه کمک کند. در نهایت این سانحه تلخ نه‌تنها فقدان نیروهای انسانی ارزشمند را نشان می‌دهد بلکه ضرورت تقویت پروتکل‌های امنیتی و نظامی در سفرهای هوایی مقامات ارشد را بیش از پیش نمایان می‌کند و به یک نقطه عطف برای بازبینی رویه‌های پروازی در منطقه تبدیل خواهد شد.

ادامه یادداشت روز

جدال روایت‌ها

طبیعی است که در چنین فضایی، بحث احتمال صدور قطعنامه‌های جدید علیه ایران نیز مطرح شود؛ به‌ویژه اگر تحولات میدانی و ادعاها درباره آسیب به برخی تأسیسات، زمینه‌ای برای اتهام‌زنی درباره «عدم همکاری» با آژانس فراهم کند. در صورت صدور قطعنامه در شورای حکام و ارجاع آن به شورای امنیت ممکن است، بهانه‌هایی نظیر محدودیت دسترسی به چند سایت به‌عنوان مستند اقدام سیاسی مورد استفاده قرار گیرد.

با این همه، پرسش اصلی اینجاست: تداوم این بن‌بست تا کجا و با چه هزینه‌ای قابل مدیریت است؟ آمریکا به‌دنبال تحقق سه شرط اصلی خود؛ یعنی توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم در ایران، قطع کامل حمایت از جریان‌های مقاومت در منطقه و کاهش برد موشک‌هاست و ایران با تکیه بر حقوق مسلم خود چنین شروطی را نمی‌پذیرد. تقابل دو موضع حداکثری اگر در قالبی انعطاف‌پذیرتر شکسته نشود، تنها به انباشت بحران و بازتولید تهدید می‌انجامد. واقعیت این است که راهی جز مذاکره هوشمندانه، مرحله‌ای و مبتنی بر تضمین‌های واقعی برای کاستن از دامنه خطر، پیش رو نیست.

تجربه نشان داده است، مواضع اعلامی بازیگران لزوماً با مواضع واقعی آنان در گفت‌وگوهای محرمانه یکسان نیست. دولت آمریکا به‌ویژه در وضعیت درهم‌تنیده جنگ‌ها و بحران‌های بین‌المللی ازجمله جنگ اوکراین و غزه به‌سختی می‌تواند در برابر افکار عمومی عقب‌نشینی آشکار را بپذیرد اما در پشت میز مذاکره می‌تواند به «تبادل» بیندیشد. همین منطق است که ضرورت ابتکار دیپلماتیک را یادآوری می‌کند؛ حرکت به سمت گفت‌وگوهای غیرعلنی و محرمانه با دستورکاری مشخص و قابل راستی‌آزمایی. در چنین مسیری ممکن است حتی بر سر شروطی که امروز قطععی به نظر می‌رسند ازجمله بحث غنی‌سازی، فضایی برای تعدیل و معامله ایجاد شود؛ مشروط بر اینکه منافع مشروع ایران به رسمیت شناخته و تضمین‌های عینی ارائه شود.

ایران زمانی می‌تواند هزینه‌های فشار را کاهش دهد که هم‌زمان قدرت بازدارندگی خود را حفظ و ابتکارات دیپلماتیک را فعال کند. نه تسلیم‌پذیری راه‌حل است و نه انفعال. گفت‌وگویی که بر پایه حق‌طلبی، خردورزی و اعتمادسازی دوطرفه شکل بگیرد، می‌تواند برای واشنگتن به‌عنوان دستاوردی قابل ارائه و برای تهران به منزله اداره بحران بدون عقب‌نشینی از حقوق ملت معنا پیدا کند.

دادستانی کل آنکارا برای بررسی علت دقیق سقوط هواپیما خبر داده‌اند. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه کشورمان نیز این حادثه را به دولت و ملت لیبی تسلیت گفت و با بازماندگان ابراز همدردی کرد. سقوط هم‌زمان چند فرمانده ارشد نظامی ضرب‌های جدی به ساختار دفاعی و نظامی لیبی وارد می‌کند و در شرایطی اتفاق می‌افتد که این کشور هنوز با چالش‌های امنیتی و تلاش برای ایجاد ثبات و یکپارچگی در نهادهای نظامی خود دست‌وپنجه نرم می‌کند. اهمیت روابط نظامی لیبی و ترکیه باعث شده است که نتایج تحقیقات در مورد علت سانحه بر آینده همکاری‌های دو کشور تأثیرگذار باشد و تحلیلگران منطقه‌ای نیز احتمال هرگونه پیامد امنیتی و دیپلماتیک را از هم‌اکنون مورد توجه قرار داده‌اند. هرچند نقص فنی به‌عنوان محتمل‌ترین

در این سانحه علاوه بر سپهبد محمد الحداد، چند تن دیگر از مقامات بلندپایه نظامی لیبی نیز جان خود را از دست دادند که ازجمله آنها می‌توان به سپهبد الفیتوری غریبیل، رئیس ستاد نیروهای زمینی، سرتیپ محمود القطوی، مدیر سازمان صنایع نظامی، محمد العصاوی دیاب، مشاور رئیس ستاد ارتش و محمدعمر احمد محبوب، عکاس دفتر رسانه‌ای ستاد ارتش اشاره کرد. همچنین گزارش‌ها حاکی است که سه خدمه فرانسوی پرواز نیز در میان قربانیان بوده‌اند. هیأت نظامی لیبی برای دیدار و گفت‌وگو با مقامات ارشد نظامی ترکیه ازجمله ژنرال سلجوق بایراکتار اوغلو، رئیس ستاد کل ارتش و یاشار گولر، وزیر دفاع این کشور به آنکارا سفر کرده بود و محور این گفت‌وگوها همکاری‌های نظامی و مواضع ترکیه در قبال معاهده دریایی عنوان شده بود. عبدالحمید الدبیه، نخست‌وزیر دولت وحدت ملی لیبی با تأیید خبر درگذشت این مقامات، این حادثه را «مصیبتی بزرگ و خسارتی سنگین» برای کشور و ارتش آن توصیف و اعلام کرد که دولت سه روز عزای عمومی برگزار خواهد کرد. هم‌زمان هیأت تحقیق مشترکی با طرف ترکیه‌ای برای روشن شدن ابعاد حادثه تشکیل شده و مقامات ترکیه نیز ضمن ابراز تأسّف، از آغاز تحقیقات قضایی جامع توسط

ادامه تیتریک

مناقشه غنی‌سازی

گنگ شوانگ، معاون نماینده دائم چین در سازمان ملل نیز به خلأهای قانونی و رویه‌ای در اقدام کشورهای غربی در تشکیل این نشست اشاره کرد و یادآور شد: شورای امنیت هنوز بر سر اختیار اروپا برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه به توافق نرسیده است. قطعنامه ۲۲۳۱ در ۱۸ اکتبر به پایان رسید اما برخی کشورها با پافشاری بر ادعاهای خود در حال تضعیف اتحاد و تقویت اختلاف‌های موجود در میان اعضای شورا هستند؛ اقدامی که حل و فصل سیاسی مسئله هسته‌ای ایران را دشوارتر خواهد کرد.

در مقابل، آرچی یانگ، معاون نماینده دائم انگلیس، مدعی شد که کشورش به همراه فرانسه و آلمان، مکانیسم ماشه را «بر مبنای قطعنامه ۲۲۳۱» فعال کرده و ایران را به نقض تعهدات

خود ذیل برجام متهم کرد. وی تأکید کرد: مکانیسم ماشه در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ کاملاً فعال شده و قطعنامه ۲۲۳۱ همچنان لازم‌الاجراست و عدم اشاعه در دستورکار شورا قرار دارد. یانگ افزود که ۶ قطعنامه شورای امنیت پس از فعال‌سازی مکانیسم ماشه دوباره فعال شده‌اند و ایران و تمام اعضای سازمان ملل باید از آنها پیروی کنند.

وی بدون محکوم کردن حمله اسرائیل و آمریکا به ایران، مدعی شد ایران به مدت ۶ ماه دسترسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را محدود کرده و هیچ توجیه غیر نظامی برای بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی وجود ندارد.

جی دارمادیکاری، معاون نماینده دائم فرانسه نیز ادعاهای خود درباره قانونی بودن

فعال‌سازی مکانیسم ماشه را تکرار کرد و مدعی شد، ایران «چندین بار» تعهدات برجامی خود را نقض کرده و برنامه هسته‌ای آن تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است. وی افزود اگر غنی‌سازی در ایران به سطوح نظامی برسد، ذخایر این کشور «به اندازه‌ای خواهد بود که برای تولید ۱۰ وسیله انفجاری هسته‌ای کافی باشد».

توماس زانایسن، معاون نماینده دائم آلمان، خواستار توافق بر سر تعیین رئیس کمیته تحریم ۱۷۳۷ و از سرگیری تحریم‌ها شد و هدف از آن را دستیابی به تعامل سازنده و واقعی عنوان کرد. او همچنین از ایران خواست به تعهداتش تحت معاهده منع اشاعه پایبند باشد و برای رفع نگرانی‌ها نسبت به برنامه هسته‌ای خود وارد گفت‌وگو شود.

هدا سامسون، نماینده اتحادیه اروپا به‌عنوان ناظر، دیدگاه متفاوتی داشت و تأکید کرد: «بازگشت تحریم‌ها و

محدودیت‌های هسته‌ای نباید پایان دیپلماسی باشد بلکه باید نقطه آغاز آن باشد». وی از ایران خواست، اطلاعات به‌روز و قابل تأیید در مورد مقدار و محل نگهداری مواد هسته‌ای و فعالیت‌های مرتبط را به آژانس ارائه کند.

نقطه اوج این جلسه، اظهارات مورگان اورتگاس، معاون فرستاده ویژه دولت ترامپ در خاورمیانه بود که گفت: «ایالات متحده همچنان برای مذاکرات رسمی با ایران در دسترس است اما تنها در صورتی که تهران برای گفت‌وگوی مستقیم و معنادار آماده باشد». اورتگاس افزود: «هیچ غنی‌سازی در داخل ایران نمی‌تواند وجود داشته باشد و این اصل ما باقی می‌ماند». وی بار دیگر تأکید کرد، آمریکا آماده مذاکره است و از تهران خواست «از آتش فاصله بگیرد» و دست دیپلماسی را بفشارد.



جفری بارتوس، سفیر و معاون نمایندگی آمریکا نیز در سخنانی گفت، شورا به موضوع عدم اشاعه به‌ویژه در رابطه با ایران متعهد است و باید به این کار ادامه دهد. او مدعی شد طبق فرآیند اسنپ‌بک، قطعنامه‌های ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸) و ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) دوباره اجرایی شده و هدف آن حفظ پایبندی برنامه‌های هسته‌ای ایران به آژانس است.

در مقابل، امیرسعید ابروانی در واکنش به اظهارات اورتگاس گفت: «ما از هرگونه مذاکره متصفانه و معنادار استقبال می‌کنیم اما اصرار بر سیاست موسوم به «غنی‌سازی صفر» مغایر با حقوق ایران به‌عنوان عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است». وی تأکید کرد، ایران نه در برابر فشار و ارباب سر فرود خواهد آورد و نه اجازه باج‌خواهی در عرصه بین‌المللی را می‌دهد.

در این نشست نماینده دانمارک نسبت به ذخایر اورانیوم ایران نیز ابراز نگرانی کرد و نمایندگان الجزایر و پاکستان خواستار احیای گفت‌وگوها برای خروج از بحران شدند. «رژماری دیکارلو» معاون دبیرکل سازمان ملل در امور سیاسی و صلح‌سازی در پایان جلسه گفت: «با وجود تلاش‌های دیپلماتیک فشرده در نیمه دوم سال ۲۰۲۵ هیچ توافقی در مورد مسیر پیش‌رو در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران حاصل نشد». وی بهترین گزینه برای جامعه بین‌المللی را دستیابی به توافق از طریق مذاکره دانست که هم برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران را تضمین کند و هم لغو تحریم‌ها را فراهم آورد.

این نشست بار دیگر اختلافات جدی میان اعضا در مورد برنامه هسته‌ای ایران را آشکار کرد. گروهی از اعضا بر بازگرداندن تحریم‌ها تأکید داشتند، درحالی‌که گروهی دیگر معتقد بودند، تحریم‌ها باید به‌طور دائم لغو شوند و راه‌حل دیپلماتیک در اولویت قرار گیرد.

یکی از محورهای اصلی اختلاف، مشروعیت برگزاری جلسات مربوط به توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ و اجرای مکانیسم بازگرداندن تحریم‌ها بود. برخی اعضا معتقدند، توافق همچنان معتبر است و شورا باید به بررسی موضوع ادامه دهد، درحالی‌که دیگران بر این باورند، کمیته‌های مرتبط با توافق دیگر وجود ندارند و شورا هیچ وظیفه اجرایی برای پیگیری این موضوع ندارد. این تفاوت دیدگاه‌ها باعث شد هیچ راه‌حل فوری یا توافق جمعی حاصل نشود.

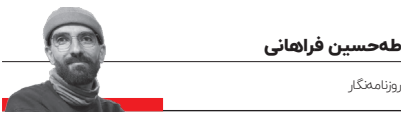
با وجود این اختلافات، برخی اعضا تأکید کردند که اعمال محدودیت‌ها و بازگشت تحریم‌ها نباید به‌معنای پایان دیپلماسی باشد و کانال‌های گفت‌وگو باید باز بمانند. همچنین ضرورت ارائه اطلاعات به‌روز و شفاف درباره فعالیت‌های هسته‌ای به نهادهای بین‌المللی برای حفظ اعتماد و شفافیت مورد تأکید قرار گرفت.

این نشست نشان داد، وضعیت برنامه هسته‌ای ایران و مسیر دیپلماسی بین‌المللی پیرامون آن همچنان پیچیده و پرتنش است. جامعه بین‌المللی با دو گزینه اساسی روبه‌روست: ادامه فشارها و اعمال تحریم‌ها که ممکن است تنش‌ها را تشدید کند، یا بازگشت به مذاکرات و تلاش برای دستیابی به توافقی که هم فعالیت هسته‌ای صلح‌آمیز ایران را تضمین کند و هم لغو تحریم‌ها را فراهم آورد. رسیدن به راه‌حل پایدار بدون کاهش تنش‌ها و تقویت اعتماد میان طرفین همچنان دشوار به نظر می‌رسد.

ویترین: تازه‌های نشر

گنجی زنده و پویا

اساطیر ایران **عباس مخبر** کاوشی در خاطره ملی ایرانیان است



طه‌حسین فراهانی

روزنامه‌نگار

عباس مخبر، یکی از چهره‌های حوزه اسطوره‌شناسی و ترجمه در ایران با آثار متعدد در زمینه‌های اسطوره، فلسفه، علوم اجتماعی و ادبیات، این بار با کتاب اساطیر که کاملاً شخصی و بومی است به سراغ یکی از گران‌بهارترین گنجینه‌های فرهنگی ایران آمده است. کتاب «اساطیر ایران» بخشی از مجموعه «اساطیر ملل» است که به‌تازگی توسط نشر مرکز منتشر شده است. این کتاب، برخلاف بسیاری از آثار دانشگاهی پیچیده و تخصصی، هدف بلندپروازانه‌ای را دنبال نمی‌کند. مخبر خود در پیش‌گفتار کتاب تأکید دارد، این اثر محصول سال‌ها درس‌گفتارهای او در دوره‌های مختلف است و ادامه وعده‌ای است که پیش‌تر در پیش‌گفتار کتاب «اساطیر خاورمیانه» داده بود: نوشتن جداگانه و مفصل درباره اساطیر ایران. هدف اصلی نویسنده کتاب، آشنا کردن علاقه‌مندان عمومی با «خاطره ملی» ایرانیان است؛ خاطره‌ای که در قالب روایت‌ها، شخصیت‌ها و بینش‌های اسطوره‌ای از دوران هند و ایرانی تا دوران زردشتی و پس از آن ادامه یافته‌ و هنوز هم در فرهنگ، ادبیات و هویت امروز ما زنده است. مخبر در این کتاب با زبانی ساده، روشن و به‌دور از اصطلاحات سنگین آکادمیک، اسطوره‌ها را نه به عنوان متونی متعلق به گذشته‌ای دور و خاک‌خورده بلکه به عنوان بخشی زنده و پویا از فهم امروز ما معرفی می‌کند. او خواننده را دعوت می‌کند تا- به تعبیر ایمانوئل کانت- با «دلبری» به سراغ اسطوره‌ها برود؛ نه برای نوستالژی صرف بلکه برای درک عمیق‌تر خود، جهان اطراف و ریشه‌های فرهنگی که ما را ساخته‌اند.

چرا نوشتن دربارهٔ اساطیر ایران دشوار است؟

مخبر در پیش‌گفتار کتاب «اساطیر ایران» به سه مشکل اساسی و بنیادین در پژوهش درباره اساطیر ایران اشاره می‌کند. موقعیت جغرافیایی ایران به عنوان چهارراه اقوام: ایران از دیرباز به دلیل موقعیت استراتژیک خود در چهارراه تمدن‌های بزرگ جهان- میان شرق و غرب، شمال و جنوب- همواره گذرگاه و محل تلاقی اقوام، ملت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون بوده است. این موقعیت، که از دوران باستان تا مهاجرت‌های هندواروپایی، نفوذ اقوام سامی، ترکی، مغول و دیگران ادامه یافته، منجر به آمیختگی عمیق عناصر فرهنگی و اساطیری شده است. نتیجهٔ این آمیختگی، لایه‌لایه شدن روایت‌ها و باورهاست؛ به‌گونه‌ای که تفکیک عناصر بومی ایرانی از تأثیرات وارد شده (مانند باورهای میتراپی، مانوسی، یا حتی یونانی) اغلب دشوار و گاه ناممکن می‌شود. این تنوع، اساطیر ایران را غنی می‌سازد اما همزمان بازسازی یک تصویر واحد و خالص از آن را به چالشی جدی تبدیل کرده است. مخبر تأکید دارد که این چندلایه بودن، نه نشانهٔ ضعف بلکه بخشی طبیعی از پویایی فرهنگی ایران است.

کمبود منابع دست اول معتبر و ابهام در زمان تدوین آن‌ها: یکی از بزرگ‌ترین موانع، کمبود منابع اولیه و مستقیم است. مهم‌ترین منبع اساطیری ایران، اوستاست؛ اما اطلاعات ما دربارهٔ زمان دقیق سرودن، گردآوری و تدوین آن به شدت محدود، پراکنده و مغشوش است. بخش‌های کهن‌تر مانند گاهان (سروده‌های منسوب به زردشت) با قسمت‌های جوان‌تر مانند یشت‌ها و وندیداد تفاوت‌های زبانی، محتوایی و زمانی اساسی دارند و بازسازی یک روایت پیوسته و واحد از آنها تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد. منبع دوم، سنگ‌نوشته‌ها و کتیبه‌های گلی و سنگی (مانند کتیبه‌های هخامنشی، عیلامی و آشوری) هستند که هرچند ارزشمندند اما عمدتاً به امور سیاسی، اداری و ستایش شاهان محدود می‌شوند و اطلاعات اساطیری اندکی ارائه می‌دهند. این کمبود، پژوهشگر را وادار می‌سازد تا با احتیاط

بسیار و بر پایهٔ مقایسهٔ منابع پراکنده پیش برود.

پیچیدگی و چندصدایی ادبیات پهلوی و منابع خارجی: سومین منبع کلیدی، ادبیات پهلوی (فارسی میانه) است که بیشتر در اواخر دوران ساسانی و اوایل دوران اسلامی (قرن‌های ۹ و ۱۰ میلادی) تدوین شده‌اند. آثاری همچون بندهش (درباره آفرینش جهان)، دینکرد (دانشنامهٔ دینی)، مینوی خرد (حکمت مینوی) و گزیده‌های زادسپرم، که به همت پژوهشگران برجسته‌ای چون مهرداد بهار، احمد تفضلی، ژاله آموزگار، محمدتقی راشد محصل و دیگران به فارسی برگردانده شده‌اند، گاه بسیار راهگشا هستند. با این حال، این متون اغلب آمیزه‌ای از دیدگاه‌های متنوع را بازتاب می‌دهند: باورهای مهری، زردشتی، زروانی و حتی تأثیرات مانوی، مسیحی و یهودی. منابع یونانی کهن

کافه

تازه‌های ادب و هنر

پدر مطالعات قنات

جواد صفی‌نژاد مردم‌شناس برجسته دانشگاه تهران درگذشت

جواد صفی‌نژاد، استاد بازنشسته گروه انسان‌شناسی دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران که به خاطر مطالعات و پژوهش‌هایش دربارهٔ «قنات» به «پدر مطالعات قنات ایران» مشهور بود، سه‌شنبه دوم دی در ۹۶ سالگی درگذشت. صفی‌نژاد هم‌چنین پژوهش‌های شاخصی در حوزهٔ اقوام و عشایر ایرانی داشت و متخصص مردم‌شناسی ایلات و عشایر لر و قشقایی بود.

جواد صفی‌نژاد متولد ۹ شهریور ۱۳۰۸ در محلهٔ هاشم‌آباد شهری بود و نیاکانش از لره‌ای بختیاری بودند. او دربارهٔ سال‌های کودکی‌اش گفته: «پدرم محمداسماعیل کریلایی‌صفی در باغی اجاره‌ای به سبزی‌کاری مشغول بود و من هم تا کلاس ششم در کنار تحصیل به او کمک می‌کردم. وقتی به دوران دبیرستان رسیدم، دست و بال پدرم بازتر و یک باغش تبدیل به دو باغ شد. آن زمان شهری دبیرستان نداشت. تا سال سوم دبیرستان در چهارراه سرچشمه تهران در یک آموزشگاه شبانه درس خواندم.» صفی‌نژاد سال ۱۳۳۲ در رشته تاریخ و جغرافیا در دانشگاه تهران پذیرفته شد و سال ۱۳۳۶ مدرک لیسانس‌اش را گرفت: «لیسانس تاریخ و جغرافیا را سال ۱۳۳۶ از دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران و مدرک فوق‌لیسانسم را با پایان‌نامه‌ای دربارهٔ اماکن مقدس شهر ری از دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران گرفتم.» آستان حضرت عبدالعظیم چند سال پیش پایان‌نامه فوق لیسانس صفی‌نژاد را در قالب کتابی با عنوان «اماکن تاریخی ری» منتشر کرد. صفی‌نژاد برای اجرای این پژوهش از نزدیک همه اماکنی که درباره‌شان نوشته شده از حرم عبدالعظیم (ع) که مرکز ثقل این کتاب است تا برج طغرل، برج خاموشان، زندان هارون‌الرشید، تقارخانه، قلعه گبری و... را از نزدیک دید و آن‌ها را با جزئیات کامل ثبت کرد و یک منبع ارزشمند از اماکن تاریخی ری را برای آیندگان باقی گذاشت. شاید در آن روز کسی متوجه اهمیت کار او برای ری نبود اما چند دهه بعد این کتاب به یکی از کتاب‌های مرجع در مورد اماکن تاریخی ری تبدیل می‌شود و هرکس بخواهد در مورد پیشینهٔ اماکن ری تحقیق کند ناگزیر سراغش می‌رود. صفی‌نژاد سال ۱۳۳۷ همکاری خود را با موسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه

سینمای جهان

ولگرد ۵۰۰میلیون دلاری

چارلی چاپلین ثروت خود را در حیاط خانه‌اش دفن کرد

امروز چهل‌وهشتمین سالگرد درگذشت چارلی چاپلین، نابغه بزرگ تاریخ سینمای جهان است. چاپلین بی‌تردید یکی از مهم‌ترین چهره‌های فرهنگی معاصر دنیاست که آثارش نقش بسزایی در پیشرفت و پیشبرد هنر هفتم داشت.

فراتر از ستاره

چارلی چاپلین، بیش از یک ستاره فیلم صامت بود. او یکی از معماران سینمای مدرن به‌شمار می‌رود. با کلاه معروف، سبیل کوچک و عصای خود، چاپلین به یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های جهان تبدیل شد و با ترکیبی از کمدی فیزیکی، احساسات و نقد اجتماعی، مخاطبان را سرگرم می‌کرد. شخصیت «ولگرد» او، یکی از ماندگارترین نمادهای تاریخ سینماسست. در طول بیش از ۷۵ سال فعالیت حرفه‌ای، چاپلین فیلم‌هایی را نوشت، کارگردانی، تولید، تدوین، آهنگسازی و بازی کرد که هنوز معیارهایی برای سینما محسوب می‌شوند. اما داستان چاپلین تنها درباره هنر نیست بلکه درباره مقاومت، ریسک و ثروت فوق‌العاده نیز هست. او در خانواده‌ای فقیر در لندن متولد شد و صعود او به سوپرستار جهانی، هم غیرمنتظره و هم چشمگیر بود. در اوج دوران کاری، نه‌تنها مشهورترین سرگرم‌کننده جهان بود بلکه یکی از پردرآمدترین و زیرک‌ترین افراد در امور مالی نیز محسوب می‌شد. او قراردادهای رکوردشکن امضا کرد، شرکت توزیع خود را تأسیس نمود و ثروتی به دست آورد که برای کودکی که روزی در خیابان‌های لندن برای چند سکه، اجرا می‌کرد، غیرقابل تصور بود. با این حال، ثروت چاپلین در معرض رسوایی‌ها، آزارهای سیاسی و تبعید قرار داشت. زندگی شخصی او پر از طلاق‌های پرترش، تحقیقات دولتی و تصمیمات مالی پرخطر بود. در نهایت، چاپلین توانست امپراتوری خود را حفظ کند و ثروتی باقی گذاشت که با احتساب تورم، امروزه بیش از نیم میلیارد دلار ارزش دارد.

تهران آغاز کرد. او ابتدا در گروه جامعه‌شناسی شهری و سپس مطالعات روستایی این موسسه مشغول به کار شد. در سال ۱۳۴۰ بود که کارشناسی ارشد خود را در رشتهٔ علوم اجتماعی دریافت کرد و سال ۱۳۴۵ به جهت گسترش روزافزون بخش مطالعات روستایی، بخش مطالعات عشایری از آن جدا شد و صفی‌نژاد به‌اتفاق دو تن از همکارانش به‌سرپرستی دکتر نادر افشارنادری، بخش مطالعات و تحقیقات عشایری را در موسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی پایه‌گذاری کردند. با آغاز این کار بخش مطالعه میدانی گروه به‌قلمرو ترکمن‌ها و سپس مناطق عشایرنشین شاهسون گسترش یافت. از سال ۱۳۴۶ پژوهش‌های عشایری استاد صفی‌نژاد در قلمرو کهگیلویه به‌خصوص بویراحمد آغاز شد. او در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) به مدت یک سال به همکاری با موسسه شرق‌شناسی دانشگاه مونیخ آلمان در بخش ایران‌شناسی پرداخت و در این دانشگاه تدریس کرد.

پژوهشی که حاصلش مستند «بلوط» شد

جواد صفی‌نژاد برای شناختن شیوه‌های زندگی متفاوت ایرانیان از نواحی عشایری کهگیلویه و بویراحمد تا بیابان‌های کویری کاشان را زیر پا گذاشت و حاصل این جست‌وجوها، نگارش ده‌ها کتاب و مقاله علمی و پژوهشی در موضوعات جغرافیا و جامعه‌شناسی روستایی است که در علوم تاریخ، جغرافیا و مردم‌شناسی، مرجع به شمار می‌آیند. از جوانی در مسیر تحقیق و پژوهش قرار گرفته و نخستین پروژه تحقیقاتی او درباره عشایر ترکمن و شاهسون بوده که همراه با تیم پژوهشی زنده‌یاد دکتر نادر افشارنادری انجام داده و سال ۱۳۴۷ در مستندی به نام «بلوط» اثر نادر افشارنادری به عنوان نخستین مستند مردم‌نگاری ایران به نمایش درآمد. صفی‌نژاد در حوزهٔ آموزش هم تدریس دروس مبانی جغرافیای انسانی، جامعه‌شناسی ایلات و عشایر، مردم‌شناسی ایران با تکیه بر ایلات، عشایر و... در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی را در کارنامه‌اش داشت. او در مورد چند و چون موضوعات مختلف مانند سبزی‌کاری شهری، پیشینه شمال

هنگام مرگش در سال ۱۹۷۷ حداقل ۱۰۰ میلیون دلار برای همسرش اونا باقی گذاشت که امروز معادل حدود ۵۳۳ میلیون دلار است.

دوران کودکی و آغاز فعالیت حرفه‌ای

چارلی چاپلین سال ۱۸۸۹ در لندن به دنیا آمد. والدینش به‌عنوان سرگرم‌کننده در سالن‌های موسیقی فعالیت می‌کردند. کودکی او با فقر و بی‌ثباتی همراه بود. پدرش در کودکی فوت کرد و مادرش دچار بیماری روانی شدید شد و در سن ۱۴ سالگی چاپلین به بیمارستان روانی





بازیگر خلاف جریان

۵۳ سالگی نیما فلاح بازیگر جوانی که سینما و تلویزیون او را فراموش کردند

وجود دارد. در دنیا، نمونه شاخص این سبک بازیگری که توانسته مرزهای بازیگری تئاتر و سینما را به‌عنوان یک بازیگر تمام و کمال طی کند، جیم کری است. بازیگری بسا انعطاف بدنی و بیانی فوق‌العاده، میمیکی جادویی و... واقعیت این است که بازیگری برخلاف آنچه مهران مدیری در یکی از برنامه‌هایش گفت، کار دشواری است. اگر بخواهیم به آن سبکی که نیما فلاح علاقه دارد، آن را دنبال کنیم باید روزانه و به‌طور مداوم در حال تمرین بدن، بیان، میمیک و احساسات بازیگری باشیم. در واقع آنچه اساتید بازیگری همواره به دانشجویان‌شان می‌گویند، این است که «بازیگر همیشه باید در حال تمرین باشد» و جالب اینجاست که این یعنی بازیگر زمانی که سر پروژه‌ای نیست بیشتر زمانش صرف بازیگری می‌شود چون باید مدام تمرین کند. مثل کسی که هر روز سر کار خاصی می‌رود باید مطابق برنامه، تمرینات و کارهایش را انجام دهد و تا می‌تواند هنرهای دیگر را بفهمد و بیاموزد.

دوست ندارم تکراری شوم

وقتی مهران مدیری در یکی از قسمت‌های «جنگ ۷۷» وارد استودیو شد، یک نفر با لباس بچگانه به پایش چسبیده بود و دائم یک جمله را تکرار می‌کرد: «آدامس می‌خری؟» و «از من آدامس بخر». درواقع او نقش کودکان فروشنده خیابانی را بازی می‌کرد که با زور می‌خواهند به مردم چیزی بفروشند. او مدیری را رها نمی‌کرد و دائم آن جملات را می‌گفت. حتی وقتی مدیری راه می‌رفت، فلاح روی زمین کشیده می‌شد؛ شاید یکی از درست‌ترین بازی‌های کمدی مبتنی بر کارهای بدنی که طی این سال‌ها در تلویزیون به نمایش درآمده است. نیما فلاح در یکی از مصاحبه‌هایش درباره اینکه چرا کم کار می‌کند، نکاتی را می‌گوید که می‌تواند به شناخت بیشترش کمک کند: «دوست دارم، کاری انجام دهم که مورد پسند مخاطب قرار بگیرد و جذاب و دیدنی باشد. حضور پی‌درپی من در تلویزیون چه فایده‌ای خواهد داشت جز اینکه مردم هر روز مجبورند، بازی‌های تکراری از من ببینند. بازیگر باید تمام تلاشش را بکند تا برای مخاطب تکراری نشود و همیشه در نقش‌هایش متفاوت ظاهر شود. اگر بازیگری بدون برنامه قرار باشد در همه آثار نمایشی حضور داشته باشد و نقش‌های تکراری بازی کند مطمئناً برای مخاطب هم تکراری و خسته‌کننده خواهد شد».

جالب است که او این حرف‌ها را در سال ۹۱ یعنی حدود ۱۳ سال پیش بیان کرده و به نظر هنوز در روی همان پاشنه می‌چرخد. البته که او این فاصله گرفتن را مضر نمی‌داند: «هیچ‌وقت سعی نکردم به‌گونه‌ای بازی کنم که بیننده الکی بخندد. بیشتر تلاش می‌کنم با ایجاد موقعیت و استفاده از ترفندهایی خاص، مخاطب بخندد نه اینکه صرفاً با ادا درآوردن یا کارهایی از این دست، بیننده را وادار به خندیدن کنم. بازیگری نیاز به استفاده از تکنیک دارد و معتقدم بازیگری موفق است که از تکنیک‌هایش در بازی استفاده کند تا مخاطبش تحت‌تأثیر قرار بگیرد».

نیما فلاح را می‌توان یک استعداد بازیگری در نظر گرفت هرچند بسیار کمتر از دیگر هم‌نسلانش که با کمدی‌های مهران مدیری به شهرت رسیدند، کار کرده است. او امروز که تولد ۵۳ سالگی‌اش را جشن می‌گیرد، آخرین بار در سال ۱۳۹۴ و با سریال عطسه که متشکل از آئیم‌های کوتاه طنز به سبک ساعت خوش بود، مقابل دوربین رفت. البته اگر تاک‌شوها و برنامه‌هایی مثل جوکر و دوره‌می که او به‌عنوان میهمان یا مجری یا مسابقه‌دهنده در آنها حضور داشته را فاکتور بگیریم.

سرچشمه طنز جدید

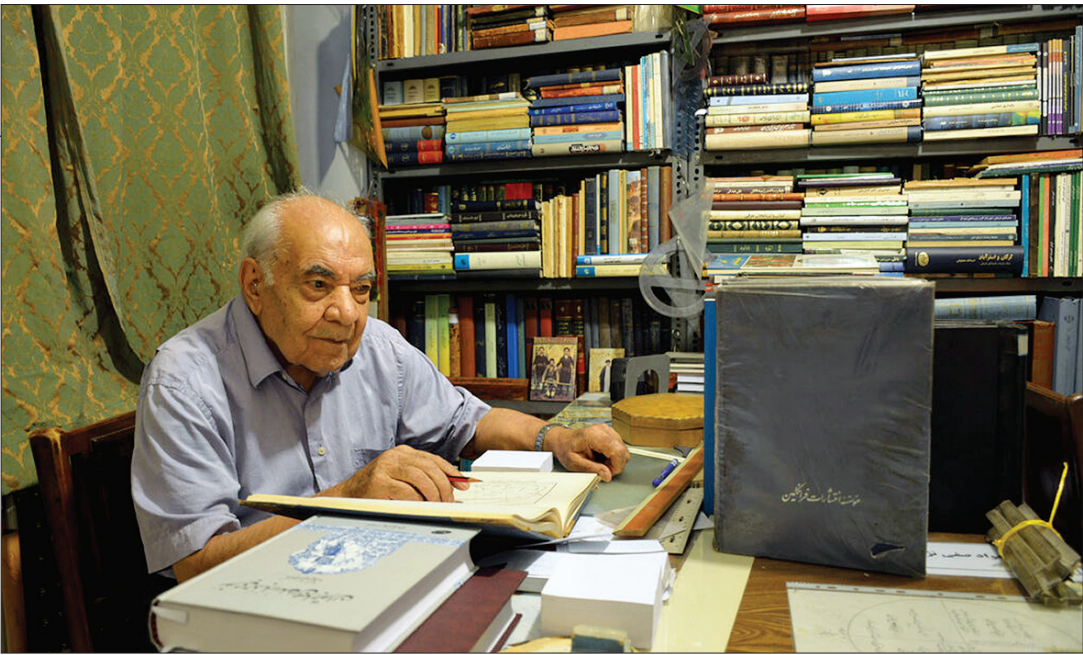
ساعت خوش که نیما فلاح به‌عنوان دستیار درک در آن به شهرت رسید، می‌توان سرچشمه طنز سینما و تلویزیون ایران در دهه‌های بعدی دانست. تقریباً اکثر بازیگران حاضر در این مجموعه، بعدها تبدیل به اصلی‌ترین چهره‌های هنرهای نمایشی ایران شدند، با این وجود آنچه فلاح را از همان ابتدا متفاوت می‌کرد، سبک و استایل بازیگری‌اش بود. او برخلاف دیگر بازیگران که تیپ‌سازی و نوع بازی‌شان، بیشتر کلامی بود به سمت بازیگری از طریق بدن و میمیک تمایل داشت. نزدیک‌ترین نمونه به بازی او در همان مجموعه، ارژنگ امیرفضلی و در فضایی دیگر، رامبد جوان بود. البته که رامبد و ارژنگ هرچه گذشت از آن سبک بازی اصولی که متکی به بدن و بیان و چهره است فاصله گرفتند و به طنز کلامی نزدیک شدند؛ اتفاقی که خیلی کمتر برای نیما فلاح افتاد.

او هرچند با بازی در چند فیلم و سریال، قدم‌هایی برای تنوع در کار و سبک بازی‌اش برداشت اما در نهایت مدل او به‌عنوان بازیگر دست‌کم در آنچه امروز به‌عنوان آثار نمایشی روی پرده یا پلتفرم‌ها و تلویزیون می‌بینیم، متفاوت است.

کارهایی که دوست ندارد

او علاقه‌ای به مصاحبه نشان نداد اما در خلال صحبت‌های ابتدایی و ساده به عدم علاقه‌اش به سبک و سیاق کارهایی که ساخته می‌شوند، اشاره می‌کند و اینکه کاملاً از فضای موجود فاصله گرفته است. البته که شاید تهیه‌کنندگان برای ساختن تیتراژی که وزن بهتری داشته باشد به سراغ چهره‌ای مانند او بروند اما واقعیت این است که شاید نتوان برای نیما فلاح در این آثاری که تولید می‌شوند، نقشی پیدا کرد.

در جوکر که او به‌عنوان یکی از شرکت‌کننده‌ها حضور پیدا کرده بود این تفاوت در سبک نگاه به بازیگری او و جامعه بازیگری ایران تا حدودی مشخص شد؛ به‌خصوص زمانی که او از شرکت‌کنندگان، که همه بازیگران مطرحی بودند، خواست که مسابقه «پ» زدن، انجام دهند. یکی از تمرین‌های بازیگری برای گرم کردن و تقویت بیان و دیافراگم که البته خودش، خوب انجامش داد اما دیگران یا با شوخی از زیرش شانه خالی کردند یا نتوانستند. در واقع او از دنیای بازیگران می‌آید. بازیگرانی که برایشان در نمایشنامه‌های واقعاً تأثیری همیشه نقش‌هایی



وطن عزیز ما ایران است. من جز راجع به مناطق روستایی و عشایری وارد حوزه‌های دیگر نشدم. در کتابخانه شخصی من ۹۰ درصد از آثار متعلق به پژوهش‌های ملی است. اگر بشنوم در دره‌گز، کتابی راجع به دره‌گز چاپ شده، می‌روم آن را تهیه می‌کنم. این قدر علاقه‌مندم که کتاب‌های مربوط به مناطق مختلف کشور را داشته باشم».

ثبت و تحلیل لایه‌های هویتی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی درگذشت دکتر جواد صفی‌نژاد، پژوهش‌گر و استاد حوزه انسان‌شناسی و جغرافیای فرهنگی را تسلیت گفت. در پیام تسلیت سیدعباس صالحی آمده: «خبر درگذشت جواد صفی‌نژاد، پژوهشگر برجسته و استاد فرهیخته حوزه انسان‌شناسی و جغرافیای فرهنگی، موجب اندوه و تأثر شد. فقدان اندیشمندانی که عمر پربار خود را وقف شناخت، ثبت و تحلیل لایه‌های هویتی، فرهنگی و زیست‌بومی ایران‌زمین کرد، ضایعه‌ای تأمل‌برانگیز برای جامعه علمی و فرهنگی کشور به‌شمار می‌آید. زنده‌یاد صفی‌نژاد با آثار ماندگار و پژوهش‌های مرجع خود به‌ویژه در حوزه فرهنگ بومی، نظام‌های سنتی زیست و قنات، سهمی مؤثر در گسترش دانش انسان‌شناسی ایران داشت و انتخاب اثر او به‌عنوان برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، گواهی روشن بر جایگاه علمی و اعتبار پژوهشی آن استاد فقید است. این‌جانب، درگذشت این پژوهشگر فرهیخته را به خانواده محترم ایشان، شاگردان، همکاران و جامعه علمی و فرهنگی کشور تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم، رحمت و آرامش ابدی و برای بازماندگان، صبر، شکیبایی و تسلی خاطر مسألت دارم».

استان خراسان، فرهنگ لرهای ایران، اطلس ایلات کهگیلویه و... تحقیقات گسترده‌ای انجام داد و حاصل جست‌وجوهایش را در قالب کتاب‌ها و مقالات مختلف منتشر کرده است. «مونوگرافی روستای طالب‌آباد»، «بنه: نظام‌های سنتی زراعی در ایران»، «نظام‌های آبیاری سنتی در ایران»، «عشایر مرکزی ایران»، «لرهای ایران: لر بزرگ و لر کوچک»، «سد زیرزمینی قنات وزوان میمه اصفهان»، «مبانی جغرافیای انسانی» و «انان سنگگ: مطالعه مردم‌شناختی» برخی از کتاب‌های او را تشکیل می‌دهند. کتاب شاخص او، «کاریز در ایران و شیوه‌های سنتی بهره‌گیری از آن» هم برگزیده جشنواره فارابی شد و هم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را از آن خود کرد. پژوهش‌هایش در دانشگاه‌های معتبر جهان از جمله ژاپن، تدریس و مورد ارجاع قرار گرفته است. آخرین اثر زنده‌یاد صفی‌نژاد، «بررسی درونی جامعه انسانی شهرری از قاجار تا جمهوری اسلامی» بر پایه دهه‌ها پژوهش میدانی و اسنادی، تصویری جامع از لایه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی این منطقه کهن ارائه می‌دهد. صفی‌نژاد در بحث تاریخ اجتماعی هم تمرکز داشت و مفهومی به نام بُنه را که مزارع اشتراکی بودند و بین کشاورزها استفاده می‌شد مورد بحث قرار می‌دهد. کتاب مونوگرافی روستای «طالب‌آباد» روستایی در ۱۵ کیلومتری شهرری، که به پیشینه ری و مشاهداتش در آن زمان می‌پردازد، یکی دیگر از آثار مهم او در مورد ری است. گفته می‌شود سال‌ها قبل صفی‌نژاد در کتابش درباره شیوه زندگی، آداب و رسوم اهالی و کشاورزی در طالب‌آباد نوشت و همین کتاب، شهرتی جهانی را برای این روستا به ارمغان آورد. استاد صفی‌نژاد درباره علاقه‌اش به تحقیق درباره ایران گفته: «همه آثار من، تحقیقی است و در حوزه

فرستاده شد. در آن زمان، چارلی برای کمک به امرار معاش خود در صحنه‌ها اجرا می‌کرد. در ۱۹ سالگی به گروه کمدی فرد کارنو پیوست و مهارت‌های کمدی فیزیکی خود را توسعه داد. در ۱۹۱۴ نخستین فیلم خود، «امرار معاش» را بازی کرد و ظرف یک سال، شخصیت آواره او به یک پدیده فرهنگی تبدیل شد و چاپلین یکی از بالاترین دستمزدهای هالیوود را دریافت کرد:

۱۹۱۵: قرارداد با کمپانی اسننی با دستمزد ۱،۲۵۰ دلار در هفته به علاوه ۱۰،۰۰۰ دلار جایزه (معادل حدود ۲۵۰،۰۰۰ دلار امروز)
۱۹۱۶: قرارداد جدید با ۱۰،۰۰۰ دلار در هفته و ۱۵۰،۰۰۰ دلار جایزه
۱۹۱۸: قرارداد با فرست نشنال به ارزش ۱ میلیون دلار برای ۸ فیلم
۱۹۱۹: بنیانگذاری یونایتدآرتیست با داگلاس فرینکس، مری پیکفورد و دی دبلیو گریفیث که کنترل خلاقانه و مالی بی‌سابقه‌ای به او داد.
نخستین موفقیت بزرگ چاپلین با یونایتدآرتیست، فیلم «پسر بچه» ۱۹۲۱ بود که شهرت جهانی او را تثبیت کرد.

شهرت و هوش مالی

چاپلین فقط بازیگر نبود. او یک استودیو یک نفره بود. او فیلم‌های خود را نوشت، کارگردانی، تدوین، تولید و حتی موسیقی آنها را ساخت. این کنترل، آزادی خلاقانه و سود مالی کامل را برای او فراهم می‌کرد. در



دهه ۱۹۲۰ دارای او حدود ۱۶ میلیون دلار ارزش داشت که امروز معادل حدود ۲۱۵ میلیون دلار است.
او ۱۱ فیلم بلند کارگردانی کرد، ازجمله: جویندگان طلا ۱۹۲۵، روشنائی‌های شهر ۱۹۳۱، عصرجدید ۱۹۳۶، دیکتاتور بزرگ ۱۹۴۰. تأثیر او به حدی بود که مجله «تایم» او را یکی از ۱۰۰ فرد مهم قرن بیستم نامید.

بحران‌ها، تبعید و اونا انیل

زندگی شخصی چاپلین به اندازه زندگی حرفه‌ای‌اش پرتنش بود. او چهار بار ازدواج کرد: میلدر هریس، لیتا گری، پاولت گودارد و نهایتاً اونا انیل، دختر نویسنده برنده نوبل یوجین انیل. وقتی چاپلین در ۱۹۴۳ با اونا ازدواج کرد ۵۳ سال داشت و او ۱۸ ساله بود. با وجود شک و تردیدها این ازدواج تا زمان مرگ چاپلین ادامه یافت و ثمره‌اش ۸ فرزند بود. در دهه ۱۹۴۰ فیلم‌های چاپلین بیشتر جنبه طنز انتقادی پیدا کرد که با کاهش محبوبیت او هم‌زمان شد. در سال ۱۹۵۲ هنگام سفر با کشتی کوئین الیزابت به او اطلاع داده شد که در صورت عدم شهادت درباره باورهای سیاسی‌اش، اجازه بازگشت به آمریکا را نخواهد داشت. چاپلین و اونا تصمیم گرفتند به سوئیس مهاجرت و تا پایان عمر در آنجا زندگی کنند.

ثروت دفن شده

چاپلین سال‌ها نگران از دست دادن ثروتش بود و برنامه‌ای خارق‌العاده طراحی کرد: اونا را به عنوان ضامن حساب‌هایش در آمریکا اضافه کرد و حتی پول‌های نقد را در حیاط خانه خود در پورلی هیلز دفن کرد. وقتی اونا بعداً به آمریکا بازگشت، زمین را حفر کرد و پول‌های دفن شده را به اسکناس‌های ۱۰،۰۰۰ دلاری تبدیل و در آسترکت پوست خود گذاشت تا به‌طور ایمن به اروپا منتقل کند.

سال‌های پایانی و میراث

چاپلین اگرچه تبعید شده بود، اعتبارش سرانجام بازگردانده شد. در ۱۹۷۲ او به آمریکا بازگشت تا جایزه افتخاری اسکار را دریافت کند و ایستاده ۱۲ دقیقه تشویق شد که طولانی‌ترین تشویق تاریخ اسکار است. چاپلین در روز کریسمس ۱۹۷۷ در خانه‌اش در سوئیس درگذشت. ارزش دقیق دارایی‌های او دشوار بود اما مشخص است که حداقل ۱۰۰ میلیون دلار برای همسرش باقی گذاشت، معادل ۵۳۳ میلیون دلار امروز. بیش از چهار دهه بعد، ثروت، نفوذ و هنرش همچنان به اندازه زندگی خارق‌العاده او، استثنایی باقی مانده است.





بازار سهام

پایان پاییز

کانال تاریخی چگونه فتح شد؟

نسربین خدادادی

گروه اقتصاد

دیروز بازار سهام یکی از درخشان‌ترین روزهای خود در سال‌های اخیر را پشت سر گذاشت. بورس تهران که در ساعات ابتدایی معاملات موفق به بازگشایی کانال تاریخی ۴ میلیون واحد شده بود، در پایان روز نه‌تنها این سطح روانی و مهم را حفظ کرد بلکه با شتابی بیشتر به مسیر صعودی خود ادامه داد و نشانه‌های روشنی از تثبیت در این محدوده به نمایش گذاشت. شاخص کل بورس با ثبت رشد خیره‌کننده ۹۲ هزار و ۷۸۲ واحدی معادل ۲.۳۶ درصد افزایش در نهایت روی عدد ۴ میلیون و ۲۸ هزار و ۵۶۰ واحد ایستاد. این صعود قدرتمند در شرایطی رقم خورد که بازار طی هفته‌های گذشته نیز روندی مثبت را تجربه کرده بود و دیروز با عبور از یک مقاومت تاریخی وارد فاز جدیدی از خوش‌بینی شد. همزمان شاخص کل هم‌وزن نیز با رشد ۲.۳۲ درصدی به سطح ۱ میلیون و ۱۲۶ هزار و ۲۶۴ واحد رسید؛ رشدی که نشان می‌دهد صعود بازار محدود به چند نماد بزرگ یا شاخص‌ساز نبوده و تقریباً تمامی صنایع و شرکت‌ها، اعم از کوچک و بزرگ، در این حرکت صعودی مشارکت داشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین محرک‌های بازار در معاملات دیروز، ارائه لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ به مجلس شورای اسلامی بود. دیروز نخستین روز معاملاتی پس از تقدیم این لایحه محسوب می‌شد و واکنش بازار سرمایه به آن حامل پیام‌های اقتصادی قابل‌توجهی بود. بررسی رفتار معامله‌گران نشان می‌دهد، فعالان بازار سرمایه نسبت به مفاد کلی بودجه سال آینده، نگاه مثبتی دارند و برخلاف برخی سال‌های گذشته هیچگونه شوک منفی یا نگرانی جدی از ناحیه بودجه به بازار وارد نشد.

این استقبال گرم را می‌توان به‌منزله رأی مثبت بورس به لایحه بودجه ۱۴۰۵ تلقی کرد. به‌نظر می‌رسد، سرمایه‌گذاران به این جمع‌بندی رسیده‌اند که در متن بودجه، تبصره‌ها یا احکامی که به‌طور مستقیم منجر به افزایش هزینه‌ها، کاهش سودآوری شرکت‌های بورسی یا تحمیل فشارهای مالیاتی سنگین بر صنایع شود، گنجانده نشده است. همین اطمینان نسبی باعث شد فضای معاملاتی با آرامش و اعتماد بیشتری همراه باشد و شاخص کل بتواند با قدرت از مرز ۴ میلیون واحد عبور کند.

در کنار متغیرهای بنیادی، جریان نقدینگی نیز نقش پررنگی در معاملات دیروز ایفا کرد. آمار نهایی نشان می‌دهد در بخش سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی ورود پول حقیقی به میزان ۳ هزار و ۶۵ میلیارد تومان به ثبت رسیده که یکی از بالاترین ارقام ورود نقدینگی در تاریخ بازار سرمایه محسوب می‌شود. در مقابل، خروج ۱ هزار و ۱۳۲ میلیارد تومان پول از صندوق‌های درآمد ثابت، بیانگر تغییر آشکار استراتژی سرمایه‌گذاران و افزایش تمایل آنها به پذیرش ریسک و حضور فعال در بازار سهام است. ارزش معاملات سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی به ۱۷ هزار و ۸۹۶ میلیارد تومان رسید و حجم معاملات نیز با ثبت ۴۵.۸ میلیارد برگه سهم، نق‌دشوندگی بالای بازار را تأیید کرد. این ارقام نشان می‌دهد که صعود دیروز صرفاً حاصل هیجان مقطعی نبوده و پشتوانه قابل‌توجهی از نظر حجم و ارزش معاملات داشته است. سرانه خرید حقیقی‌ها در پایان معاملات به ۶۶.۶ میلیون تومان رسید، درحالی که سرانه فروش آنها ۵۴.۷ میلیون تومان بود. حاصل این اختلاف، ثبت قدرت خرید ۱.۲۲ به‌نفع خریداران بود که از برتری تقاضا در بازار حکایت دارد. نگاهی به تابلوی معاملات و وضعیت نامادها، تصویری تمام‌قد از یک بازار صعودی را به نمایش می‌گذارد. در پایان معاملات دیروز ۷۹۹ نماد در محدوده مثبت و تنها ۳۵ نماد در محدوده منفی به کار خود پایان دادند؛ آماری که نشان می‌دهد بیش از ۹۵ درصد بازار سبزپوش بوده است. در بخش صف‌های خرید و فروش نیز برتری قاطع با خریداران بود. تشکیل ۵۲۰ صف خرید در مقابل تنها ۱۶ صف فروش از عطش بالای نقدینگی برای ورود به بازار حکایت دارد. ارزش سفارش‌های خرید در سامانه معاملات به ۷ هزار و ۷۳۲ میلیارد تومان رسید، درحالی که ارزش سفارش‌های فروش تنها ۴۴۲ میلیارد تومان بود. این شکاف عمیق میان عرضه و تقاضا انتظارات مثبتی را نسبت به تداوم روند صعودی بازار در روزهای ابتدایی هفته آینده تقویت کرده است.

تأمین ارز با کیست؟

سخنان منسوب به رئیس کل بانک مرکزی در جلسه با نمایندگان مجلس حاشیه‌ساز شد

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

آنگونه که برخی رسانه‌ها گزارش داده‌اند، رئیس کل بانک مرکزی در جلسه‌ای غیرعلنی با نمایندگان مجلس شورای اسلامی گفته: «تأمین ارز با من نیست». این جمله کوتاه بلافاصله بازتاب گسترده‌ای در فضای رسانه‌ای و سیاسی کشور پیدا کرد و به یکی از محورهای اصلی تحلیل‌ها درباره وضعیت ارزی کشور تبدیل شد. برداشت اولیه بسیاری از مخاطبان و حتی برخی نمایندگان این بود که محمدرضا فرزین مسئولیت مستقیم تأمین منابع ارزی را از دوش بانک مرکزی برداشته و آن را به نهادهای دیگر نسبت داده است. بانک مرکزی در واکنش به این بازتاب‌ها اخبار غیررسمی منتشرشده درباره پررؤ تش لفظی یا مشاجره در جلسه را تکذیب کرد اما اصل این نقل‌قول را رد نکرد. همین موضوع باعث شد، پرسش اصلی همچنان پابرجا بماند: در اقتصاد ایران، کدام نهاد مسئول تأمین ارز است و نقش بانک مرکزی در این میان دقیقاً چیست؟ برای پاسخ به این پرسش باید ابتدا به ساختار ارزآوری اقتصاد ایران توجه کرد. منابع اصلی ورود ارز به کشور سال‌هاست که عمدتاً به صادرات

هیدروکربوری و محصولات وابسته به آن متکی است. وزارت نفت، از طریق شرکت‌های تابعه خود، بزرگ‌ترین نهاد ارزآور اقتصاد ایران محسوب می‌شود. شرکت ملی نفت ایران مسئول صادرات نفت خام است، شرکت ملی گاز ایران گاز طبیعی را به فروش می‌رساند و شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران نیز صادرات محصولات پتروشیمیایی را مدیریت می‌کند. درآمدهای ارزی حاصل از این فعالیت‌ها، ستون فقرات منابع ارزی کشور را تشکیل می‌دهد. پس از این بخش، صنایع معدنی و فلزی مانند فولاد، مس و سایر مواد معدنی جایگاه مهمی در ارزآوری غیرنفتی دارند. این صنایع نیز عمدتاً در اختیار شرکت‌های دولتی یا شبه‌دولتی هستند و نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین ارز دارند. درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، گاز، پتروشیمی و محصولات معدنی مستقیماً به حساب‌های مشخصی واریز می‌شود. بخشی از این منابع به صندوق توسعه ملی اختصاص می‌یابد، بخشی به دولت

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

اصلاحات ساختاری

لایحه بودجه ۱۴۰۵ چه ویژگی‌هایی دارد؟

سازمان برنامه و بودجه کشور با انتشار مجموعه گزارش‌های پشتیبان لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ جزئیات اصلاحات ساختاری، مفروضات و اولویت‌های این لایحه را تشریح کرد. به گفته سیدحمید پورمحمدی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه، لایحه بودجه ۱۴۰۵ بر مبنای نظام حقوقی جدید تدوین و تصویب بودجه سنواتی تنظیم شده و گامی مهم در مسیر اصلاح ساختار بودجه کشور به‌شمار می‌رود.

پورمحمدی با تأکید بر اینکه لوایح بودجه سالانه مهم‌ترین سند مالی کشور و بازتاب‌دهنده برنامه‌ها، اولویت‌ها و اقدامات دولت در سال آتی هستند، گفت: این اسناد برای همه اقشار جامعه، از مردم و نخبگان گرفته تا نظام اداری و بخش خصوصی، اهمیت ویژه‌ای دارند و سازمان برنامه و بودجه موظف است در چارچوب محدودیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود، بیشترین تلاش خود را برای ارتقای رفاه و معیشت مردم به کار گیرد.

به گفته رئیس سازمان برنامه و بودجه، یکی از بزرگ‌ترین اصلاحات ساختاری بودجه کشور در شهریورماه ۱۴۰۴ و با همکاری مشترک دولت و مجلس شورای اسلامی محقق

منتقل می‌شود و بخشی نیز در اختیار شرکت ملی نفت و سایر شرکت‌های صادرکننده باقی می‌ماند. بانک مرکزی در این چرخه، نقش تولیدکننده ارز را ایفا نمی‌کند، بلکه مسئولیت مدیریت، نظارت، تخصیص و توزیع این منابع را برعهده دارد. به بیان دیگر، ورود اولیه ارز به کشور وابسته به عملکرد نهادهای صادراتی، به‌ویژه وزارت نفت و صادرکنندگان بزرگ است و بانک مرکزی پس از آن وارد عمل می‌شود.

از منظر حقوقی و اقتصادی نیز وظایف بانک مرکزی به‌روشنی تعریف شده است. بر اساس قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی موظف است ارزش داخلی و خارجی پول ملی را حفظ کند، مقررات مربوط به معاملات ارزی را تنظیم



کند و بر ورود و خروج ارز نظارت داشته باشد. این وظایف به‌معنای مدیریت منابع ارزی موجود است نه الزاماً تولید یا خلق ارز. بانک مرکزی باید تصمیم بگیرد که ارز موجود چگونه، با چه اولویتی و از چه مسیری در اختیار متقاضیان قرار گیرد. تخصیص ارز برای واردات کالاهای اساسی، دارو، مواد اولیه صنعتی، تجهیزات تولیدی و خدمات همگی در چارچوب همین مسئولیت‌ها تعریف می‌شوند. برای درک بهتر این نقش، می‌توان به آمارهای رسمی استناد کرد. فرض کنید بانک مرکزی تا پایان فصل پاییز امسال بیش از ۴۳ میلیارد دلار ارز برای واردات کالاهای اساسی، دارو، کالاهای تجاری و خدمات تأمین کرده باشد. از این میزان حدود ۳۲ میلیارد دلار به بخش صنعت و تولید اختصاص یافته است. این ارقام نشان می‌دهد که بانک مرکزی در عمل نقش فعالی در تأمین نیازهای ارزی کشور دارد اما این تأمین از محل منابعی صورت می‌گیرد که پیش‌تر از طریق صادرات نفتی و غیرنفتی وارد کشور

شده‌اند. بنابراین بانک مرکزی ارز «تولید» نمی‌کند بلکه آن را مدیریت و توزیع می‌کند.

با این توضیح، می‌توان جمله رئیس کل بانک مرکزی را در چارچوب دقیق‌تری تفسیر کرد. اگر محمدرضا فرزین گفته است «تأمین ارز با من نیست» منظور او احتمالاً این بوده که مسئولیت ورود اولیه ارز به کشور بر عهده بانک مرکزی نیست بلکه این مسئولیت متوجه نهادهای ارزآور، به‌ویژه وزارت نفت و صادرکنندگان بزرگ است. بانک مرکزی در مرحله بعد وظیفه دارد این منابع را به‌شکل بهینه مدیریت کند، اولویت‌بندی انجام دهد و از طریق سازوکارهایی مانند مرکز مبادله ارز و طلا، نیازهای مختلف اقتصاد را پاسخ دهد. در تصمیم‌های اخیر بانک مرکزی

نیز تأکید بر اولویت تخصیص ارز به

بنگاه‌های ارزآور، حمایت از تولید و

تسریع فرآیند تأمین برای متقاضیان دیده

می‌شود.

با این حال، این توضیح فنی و حقوقی لزوماً برای همه قانع‌کننده نبوده است. بخشی از نمایندگان مجلس انتظار دارند بانک مرکزی نه‌تنها مدیر منابع ارزی بلکه پاسخگوی کمبودها و نوسان‌های بازار ارز نیز باشد. از نگاه آنها، زمانی که بازار با کمبود ارز، افزایش نرخ‌ها یا اختلال در تأمین نیازهای وارداتی مواجه می‌شود، افکار عمومی و فعالان اقتصادی، بانک مرکزی را مسئول اصلی می‌دانند. به همین دلیل شنیدن جمله‌ای

که به‌نوعی فاصله‌گذاری میان بانک مرکزی و نهاد تأمین‌کننده ارز تلقی می‌شود، می‌تواند به مذاق برخی نمایندگان خوش نیاید و این تصور را ایجاد کند که نهاد پولی کشور در حال شانه خالی کردن از مسئولیت است.

در واقع، اختلاف اصلی بیش از آنکه اقتصادی باشد به تفاوت برداشت‌ها از مفهوم تأمین ارز بازمی‌گردد. اگر تأمین ارز به معنای ایجاد منابع جدید ارزی باشد، بانک مرکزی نقشی در آن ندارد. اما اگر تأمین ارز به‌معنای فراهم کردن امکان دسترسی واردکنندگان و فعالان اقتصادی به ارز مورد نیازشان باشد، بانک مرکزی نقشی کلیدی و غیرقابل انکار دارد. همین دوگانگی مفهومی است که به سوء تفاهم‌ها دامن می‌زند و زمینه بروز تنش‌های لفظی و سیاسی را فراهم می‌کند. تا زمانی که این تفاوت برداشت‌ها به‌روشنی برای افکار عمومی و نهادهای تصمیم‌گیر توضیح داده نشود چنین اظهارنظرهایی همچنان محل مناقشه باقی خواهد ماند.

لایحه بودجه ۱۴۰۵ به‌طور کامل مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس اعلام سازمان برنامه و بودجه به‌منظور افزایش شفافیت و ایجاد زبان مشترک برای بررسی لایحه بودجه، مجموعه‌ای از گزارش‌ها تحت عنوان «اسناد پشتیبان لایحه بودجه سال ۱۴۰۵» تهیه و منتشر شده است. این گزارش‌ها در سه جلد و ۹ فصل شامل گزارش اقتصادی سالانه، هزینه تولید خدمات آموزش و پرورش، ناترازی آب، تضامین و تعهدات دولت، ویژگی‌ها و مفروضات لایحه بودجه، میزان انطباق آن با برنامه هفتم پیشرفت، ساماندهی معافیت‌های مالیاتی، وضعیت پارانه انرژی و جدول تأمین منابع مالی احکام برنامه هفتم است. پورمحمدی انتشار این گزارش‌ها را ابتکاری نوین در دولت چهاردهم دانست و در عین حال تأکید کرد که با وجود این اصلاحات، بودجه سالانه همچنان با چالش‌ها و محدودیت‌هایی روبه‌روست و بخشی از اصلاحات باید به‌صورت تدریجی و خارج از قوانین بودجه سنواتی دنبال شود. وی از نخبگان، صاحب‌نظران و تصمیم‌گیران حوزه برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی خواست، نظرات و پیشنهاد‌های خود را برای ارتقای نظام بودجه‌ریزی کشور به سازمان برنامه و بودجه ارائه کنند.



فرهنگی. آنها این‌بابویه را نه یک «سند تاریخی» که یک «ملک تجاری-مذهبی» می‌بینند که باید مدرنیزه شود. این نگاه کالایی به تاریخ، همان چیزی است که حافظه جمعی ما را سوراخ‌سوراخ کرده است.

ضرورت یک توقف اضطراری

در نهایت اینکه این‌بابویه بیش از هر زمان دیگری به یک «منطقه بحرانی» شباهت دارد. اگر ماشین‌های سنگین متوقف نشوند، آنچه از دست می‌رود تنها سنگ و کتیبه نیست؛ بلکه پیوند ما با ریشه‌های شهرهایی است که هویت‌شان را از همین آرامستان‌ها می‌گیرند. رادخل نه در وعده‌های خوش آب‌ورنگ «زیارت مجازی» و «دوربین مداربسته» بلکه در توقف فوری هرگونه عملیات بدون نظارت مستقیم کارشناسان ارشد میراث فرهنگی، مستندسازی دیجیتال دقیق از تک‌تک قبور پیش از جابه‌جایی و ایجاد شفافیت مالی در درآمدهای آستان است. این‌بابویه نباید به بهای ساخت آتشیزخانه یا حوزه علمیه، شکوه سنگی خود را از دست بدهد. ما در قبال آیندگانی که می‌خواهند بدانند دهخدا و فاطمی در کجا و زیر چه سنگی آرامیده‌اند، مسئولیم. سکوت امروز همدستی در دفن دوباره مشاهیری است که یک بار مرده‌اند اما این بار قرار است، نام و نشان‌شان نیز به خاک سپرده شود.

یادداشت اجتماعی

نیت خوب کافی نیست

بازاندیشی در معنای نیکوکاری

افشین سپهوندی

پژوهشگر و فعال اجتماعی

در جامعه ما، دگردوستی و نیکوکاری از محدود حوزه‌هایی است که تقریباً مصون از نقد باقی مانده‌اند. کافی است، سپر اخلاقی «نیت خیر» برافراشته شود تا هر پرششی درباره نتیجه، به بدلی، حساسگری یا حتی بی‌اخلاقی تعبیر شود. حال آنکه در جهانی با منابع محدود و مسائل پیچیده، پرشش از اثر نه نشانه بی‌رحمی بلکه نشانه‌ای از مسئولیت‌پذیری اخلاقی است. مسئله امروز دیگر این نیست که آیا نیت ما خیر است؛ مسئله این است که آیا این نیت، در عمل، به خیری مؤثر و معنادار منجر می‌شود یا نه. واقعیت آن است که بخش قابل‌توجهی از کش‌های خیرخواهانه در ایران نه بر پایه تحلیل مسئله بلکه براساس عادت، هنجارهای تثبیت‌شده و تأیید اجتماعی شکل می‌گیرند. جامعه و رسانه‌ها برخی اقدامات را برجسته می‌کنند و خیرین (خواسته یا ناخواسته) در همان مسیرهای امن و آشنا حرکت می‌کنند. در چنین فضایی، دیده شدن به معیار بدل شده و اثربخشی به حاشیه رانده می‌شود. نمونه آشنای این وضعیت، مدرسه‌سازی است: اقدامی که سال‌هاست به نماد نیکوکاری بدل شده بی‌آنکه در بسیاری موارد پرسیده شود، مسئله اصلی آن منطقه چیست. گاه مدرسه ساخته می‌شود اما معلم کافی یا کارآمد وجود ندارد؛ ساختمان هست اما دانش‌آموز به‌دلیل فقر، سوء تغذیه یا ترک تحصیل، امکان یادگیری ندارد. در چنین شرایطی، ساخت مدرسه نه‌تنها ناکارآمد بلکه گاه انحراف منابع از نیازهای حیاتی‌تر است. اینجاست که باید صریح گفت: نیت خیر اگر به انتخاب نادرست بینجامد، دیگر اثرآزمای خیر نیست. در برابر این خیرخواهی نیت‌محور، مفهوم دگردوستی مؤثر قرار می‌گیرد. دگردوستی مؤثر، به‌طور ساده، یعنی به‌کارگیری منابع محدود زمان، پول و انرژی به‌گونه‌ای که بیشترین بهبود قابل سنجش را در زندگی دیگران ایجاد کند. پرشش محوری آن روشن است: با منابع یکسان، کدام اقدام بیشترین رنج را کاهش می‌دهد؟

این معیار، خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد را نیز به بازنگری جدی فرا می‌خواند. بدون مطالبه‌گری کمک‌کنندگان و جامعه، اثربخشی به حاشیه می‌رود و پروژه‌هایی ادامه می‌یابند که بیش از آنکه تحول‌آفرین باشند صرفاً تسکین‌دهنده هستند. تجربه‌های جهانی نشان داده‌اند که بدون تحلیل دقیق نیاز و سنجش پیامد حتی پرسر و صدارت‌ترین پروژه‌ها می‌توانند، آثار مخرب اجتماعی و اقتصادی بر جای بگذارند. دگردوستی مؤثر دعوتی است به عبور از کنش‌های احساسی کوتا‌مدت و حرکت به‌سوی مداخلات پایدار، قابل سنجش و پایش‌پذیر. این رویکرد از ما می‌خواهد همدلی را با تعقل پیوند بزینم؛ همدلی‌ای پویا که به داده، ارزیابی و اقدام‌پژوهی متکی است. شاید در این مسیر کمتر تشویق و کمتر دیده شویم اما اثر واقعی‌تری بر زندگی دیگران بگذاریم و همین می‌تواند، نشانه بلوغ حقیقی نیکوکاری در جامعه ما باشد.

تخریب قبرستان ابن‌بابویه؟

بولدوزرها در حافظه تاریخی «ری» چه می‌کنند؟

گروه اجتماعی: در انتهای جاده‌ای که به قلب تاریخ «ری» می‌رسد، جایی که قرن‌هاست سایه شیخ صدوق بر سر خفتگان خاک گسترده شده، صدایی می‌آید که با سکوت وفارآمیز یک گورستان تاریخی همخوانی ندارد. این صدای باد در میان کتیبه‌های قاجاری یا زمزمه زائران نیست؛ صدای آهن است بر سنگ. صدای چرخ‌های سنگینی که از روی تاریخ عبور می‌کنند. زمستان برای این‌بابویه، نه فصل سپیدی برف که فصل سیاه «یکسان‌سازی» است. گزارش‌های میدانی و تصاویر منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی طی روزهای اخیر، حکایت از فصلی تازه از تخریب در دومین قبرستان بزرگ تهران دارد؛ پروژه‌ای که با برجسب فریبنده «ساماندهی»، تیشه به ریشه حافظه جمعی ملتی می‌زند که انگار قرار است، گذشته‌اش را در هر دهه یک بار از نو بتراشند.

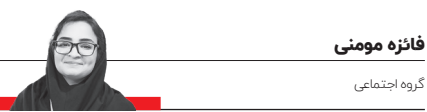
از مشاهیر تا گمنامان؛ حراج هویت در قلب ری

این‌بابویه تنها یک آرامستان نیست؛ یک موزه فضای باز ۱۷ هکتاری است که در سال ۱۳۷۵ با شماره ۱۸۱۶ در فهرست آثار ملی ثبت شد. اینجا خانه ابدی مردانی است که شناسنامه ایران مدرن و معاصر را نوشته‌اند؛ از «علی اکبر دهخدا» که واژگان فارسی را صیانت کرد تا «محمدعلی فروغی»، «دکتر حسین فاطمی»، «شیخ رجبعلی خیاط» و جهان‌پهلوان «غلامرضا تختی». اما آنچه امروز در این‌بابویه رخ می‌دهد فراتر از جابه‌جایی چند سنگ قبر است. شاهدان عینی و کارگرانی که خواستند نامشان فاش شود از تخریب سنگ‌هایی سخن می‌گویند که هر

رسانه

غول‌های بودجه‌خوار

سازندگی بودجه‌های نجومی صداوسیما و سازمان تبلیغات را بدون خروجی ویژه بررسی می‌کند



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

درحالی که لرزه‌های اقتصادی ناشی از تورم و نوسانات ارزی، معیشت دهک‌های پایین را بیش از پیش تهدید می‌کند، لایحه بودجه ۱۴۰۵ روی میز نمایندگان مجلس خودنمایی می‌کند. لایحه‌ای که قرار بود، تجلی شعار «وفاق ملی» و وعده‌های مسعود پزشکیان برای اصلاح ساختار بودجه و حذف هزینه‌های «بی‌برون‌داد» باشد حالا در جزئیات خود، روایت دیگری را بازگو می‌کند؛ روایتی از پیروزی نهادهای سنتی بودجه‌خوار بر اراده تغییر. چند ماه پیش بود که مسعود پزشکیان در قامت رئیس‌جمهور، پشت تریبون رفت و با ادبیاتی صریح که یادآور دوران نمایندگی‌اش بود از مؤسسات و بنیادهایی نالید که «هیچ برون‌دادی ندارند اما پول می‌گیرند». او به‌درستی پرسیده بود: «چرا باید به اینها پول بدهیم درحالی که معیشت مردم را نمی‌توانیم، تأمین کنیم؟» اما لایحه بودجه ۱۴۰۵ که اکنون نخستین سند مالی کامل دولت او محسوب می‌شود، نشان می‌دهد که فاصله «حرف تا عمل» در ساختار سیاسی ایران، فرسنگ‌هاست. نه‌تنها ردیف‌های بحث‌برانگیز حذف نشده‌اند بلکه در بسیاری از موارد با رشد ۲۰ تا ۵۰ درصدی، بار سنگین‌تری را بر بودجه عمومی تحمیل کرده‌اند. بنظر می‌رسد، دولت چهاردهم در برابر شبکه‌های نفوذ این نهادها، مسیر «عبرت از گذشتگان» را در پیش گرفته و به‌جای جراحی بودجه به پانسمان آن بسنده کرده است.

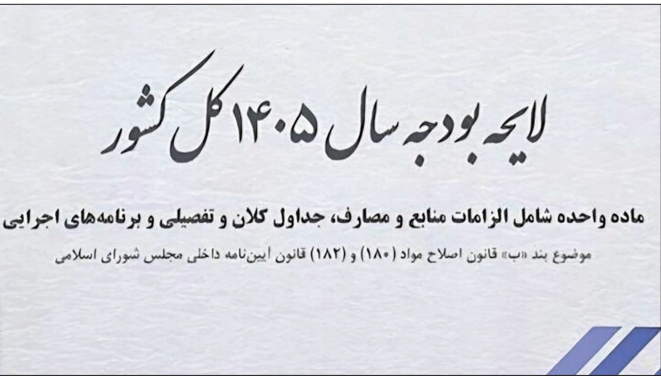
جام‌جم؛ قلعه نفوذناپذیر با بودجه‌های ۴۶ هزار میلیاردی

در صدر فهرست نهادهایی که بودجه کشور را می‌بلعد طبق معمول سازمان صداوسیما ایستاده است. در لایحه ۱۴۰۵ ارقام مربوط به رسانه ملی فراتر از تصور است. درحالی که در سال ۱۴۰۲ بودجه این سازمان حدود ۸ هزار میلیارد تومان بود حالا در لایحه جدید، مجموع اعتبارات این سازمان با احتساب ردیف‌های متفرقه و کمک‌های تولیدی به رقم خیره‌کننده ۴۶ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان رسیده است. این

یعنی بودجه صداوسیما در کمتر از سه سال حدود ۶ برابر شده است. پرشش اصلی اینجاست: که آیا کیفیت برنامه‌ها، میزان جذب مخاطب و اثرگذاری فرهنگی این سازمان هم ۶ برابر شده است؟ نگاهی به خیابان‌ها و فضای مجازی نشان می‌دهد که مرجعیت رسانه‌ای تلویزیون در کمترین سطح تاریخی خود قرار دارد. اختصاص ۹ هزار میلیارد تومان تنها برای «تولید آثار نمایشی و سریال» در حالی صورت می‌گیرد که بسیاری از پروژه‌های فاخر این سازمان، سال‌هاست در مرحله پیش‌تولید مانده یا پس از بخش با بی‌اعتنایی مخاطب روبه‌رو شده‌اند. صداوسیما با ۴۰ هزار کارمند به غولی تبدیل شده که بیشتر بودجه خود را صرف حقوق و نگهداری بدنه فربه خود می‌کند تا تولید محتوای اثرگذار.

کوچک‌سازی نمایشی، رشد بودجه‌ای واقعی

سازمان تبلیغات اسلامی، ردیف دیگری است که زیر ذره‌بین



قرار دارد. دولت در ظاهر تعداد زیرمجموعه‌های این سازمان را از ۱۵ به ۱۲ کاهش داده اما این یک «تشیعبدبازی بودجه‌ای» است؛ چراکه بودجه مجموع این نهادها از حدود ۷ هزار میلیارد تومان در سال گذشته به ۷ هزار و ۸۷۶ میلیارد تومان در لایحه ۱۴۰۵ افزایش یافته است. نکته جالب اینجاست که بودجه خود ستاد سازمان تبلیغات به‌تنهایی از ۲ هزار و ۹۶۹ میلیارد به ۳ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان رسیده است. نهادهایی چون «ستاد احیای امر به‌معروف» و «شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی» که زیرمجموعه این ردیف هستند، درحالی صدها میلیارد تومان دریافت می‌کنند که برون‌داد فرهنگی آنها در جامعه با چالش‌های مختلفی روبه‌روست.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیرنظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آریین‌فر • حروف‌چین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۲۷۲۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

ادامه از صفحه یک

اگر مبارزه با اختلاس و فساد تندروی است، به تندر و بودنم افتخار می‌کنم

نه یک خبرگزاری بلکه یک روابط عمومی برای توجیه اشتباهات برخی مسئولان است که بسیاری از ادعاهایش اعتباری ندارد» به سازندگی مربوط نمی‌شود. ایشان باید این موارد را برای آنها می‌فرستاد. هر روزنامه یا رسانه‌ای، مطالب خبرگزاری‌ها، نهادهای رسمی چون خبرگزاری یا مجلس و... را منعکس می‌کند. حالا اگر آن نهاد در ارائه گزارش‌ها یا اظهارات اشتباه کرده‌اند به روزنامه مربوط نیست. دستگاه‌های رسمی یا مسئولان و نمایندگان مجلس و چهره‌های سیاسی عموماً اظهارات و ادعاهایی دارند که بخشی از آنها در واکنش به اتفاقات است. ممکن است، اظهاراتی داشته باشند که چندان درست و اساسی نباشد. ممکن است براساس داده‌های غلط به این نتیجه رسیده باشند. چنانکه چند سال پیش ایشان درخصوص ورود کرونا به ایران اظهارات و ادعاهایی داشت و آن را دروغ خوانده بود که بعدها مشخص شد، نشراتش اشتباه بوده است. یا اینکه ایشان خودشان را اصولگر خوانده و از این جریان تبری جسته‌اند. اما از دل همین جریان بالا آمدند و شناخته شدند و با افرادی از همین جریان عموماً حشور و نشر دارند. جریان اصولگرایی با اصلاح‌طلبی ساختمان و دستگاه نیست که بگوئیم وارد این ساختمان نشده و نمی‌شویم. یک جریان فکری است. فارغ از اشتباهات و خطاها و رفتارشان. مرام و مسلک و اندیشه است. ممکن است، ذیل هر یک از آنها طیف‌های مختلف سیاسی یا فکری وجود داشته باشد که حتی مرزبندی هم با یکدیگر داشته باشند با این حال نافی آن نیست که افراد خودشان را از جریانی که در آن رشد کرده و بالا آمده و به مقامی رسیده‌اند، ندانند.

نکته بعدی این است که سازندگی به شهادت مطالب و تیرها و صفحات اول که در دسترس است، سمت مردم ایستاده است. برای سازندگی تفاوتی ندارد که رئیس‌جمهور کیست و دولت در دست چه جریانی است. اگر منادی صدای مردم بود و در کاهش درد و آلام و رنج آنها قدم برداشت، سازندگی از آنها حمایت خواهد کرد. اگر نه، چنان همیشه، به انتقاد از عملکرد دولت خواهیم پرداخت. در سه دولت آقایان روحانی، رئیسی و اکنون دولت آقای پزشکیان، همیشه از توسعه حمایت کرده‌ایم. همیشه از تدروی و افراط و تفریط در حوزه سیاسی و اجتماعی انتقاد کرده‌ایم. همیشه به روندی که مورد افزایش نقدینگی و تورم بوده، ایراد گرفته‌ایم و توصیه‌های دلسوزانه‌ای به رؤسای‌جمهور داشته‌ایم. نقدهای ما به وزرای سه دولت ذکر شده، مستند و موجود است و اگر آقای ثابتی خواست، می‌توانیم پراشان ارسال کنیم.

شکایت وی هستم تا نکات دیگری را پیرامون وی مطرح کنم. و در پایان تأکید می‌کنم که افکار عمومی امروز به‌خوبی می‌داند که در ۱۸ ماهی که از آغاز به‌کار مجلس دوازدهم گذشته، چرا روزنامه سازندگی که یکی از اصلی‌ترین رسانه‌های حامی جریان ثروت و قدرت در کشور است از بیس ۲۹۰ نماینده فقط تمرکزش را روی تخریب بنده قرار داده است؟ آیا آمارهای منتشر شده توسط اینجانب درباره بانک آینده، بانک پاسارگاد، سایر بانک‌های خصوصی و دیگر محافل فساد و ریخت‌وپاش‌های فرزانه صادق و شینا انصاری و... نیز جعلی بود یا علت اصلی مشکل شما با امثال بنده به‌خاطر ایستادگی بر حقوق ملت و در افتادن با اژدهای هفت‌سر فساد است؟

توضیح سازندگی

لازم به ذکر است که بخشی از پاسخ ایشان، اعتراض به عملکرد قوه قضائیه یا خبرگزاری تسنیم است و هیچ ارتباطی با سازندگی ندارد. در واقع پاسخ به سوال ایشان که چرا «وقتی دو هفته قبل یک نماینده عضو کمیسیون قضایی در صحن مجلس اعلام کرد که محکومان مالی ۲۵هزار نفر هستند، قوه قضائیه سکوت کرد؟ اگر این آمار جعلی است چرا فقط وقتی بنده به نقل از دیگران آن را اعلام کردم، آن آمار تکذیب شد؟» ارتباطی به سازندگی ندارد. و یا این ادعا که خبرگزاری «تسنیم در عمل،



در بخشی از گزارش مغرضانه خود مدعی شده‌اید که آمار زندانیان مهره به توسط بنده ۲۵ هزار نفر اعلام شده بود، طبق تکذیبیه قوه قضائیه صحت ندارد. اما اول باید مشخص شود چرا وقتی دو هفته قبل یک نماینده عضو کمیسیون قضایی در صحن مجلس اعلام کرد که محکومان مالی ۲۵ هزار نفر هستند، قوه قضائیه سکوت کرد؟ اگر این آمار جعلی است، چرا فقط وقتی بنده به نقل از دیگران آن را اعلام کردم، آن آمار تکذیب شد؟ دروغ دیگر گزارش روزنامه سازندگی این است که با تقطیع حرف بنده، مدعی شده که یک ماه قبل گفتم بنزین ۵۰۰ درصد گران می‌شود، درحالی که عین سخن بنده در مجلس این بود که دولت می‌خواهد، قیمت بنزین را بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ درصد افزایش دهد که همین اتفاق هم افتاد و اکنون قیمت بنزین ۱۵۰۰ تومانی به ۵۰۰۰ تومان رسیده که یعنی افزایش چند صد درصدی داشته، ضمن آنکه انتظار می‌رود به‌عنوان یکی از روزنامه‌های طرفدار دولت، توضیح دهید که چرا مقابل سخن خلاف واقع رئیس‌جمهور در انتخابات که گفت «بنزین را گران نمی‌کنم» سکوت کرده‌اید؟

در دروغ دیگری نیز پیرامون اقدام غلط سردار حسن‌زاده، فرمانده سپاه تهران در بازدید از ایران‌خودرو، نوشته‌اید که نقد بنده دروغ بوده، چون خبرگزاری تسنیم گفته، ثابتی ۱۲۶ کلمه دروغ گفته! درحالی که تسنیم در عمل، نه یک خبرگزاری بلکه یک روابط عمومی برای توجیه اشتباهات برخی مسئولان است که بسیاری از ادعاهایش اعتباری ندارد آن هم در شرایطی که هم سردار حسن‌زاده در آن جلسه از مدیرعامل جدید ایران‌خودرو (باند کروژ) تشکر کرد و هم مستندات بعدی نشان داد که آن ادعا درست بوده و اساس نقد بنده به ایشان این بود که چرا پس از واگذاری برحاشیه ایران‌خودرو به کروژ در بهمن گذشته، که منجر به انتقادات فراوان نمایندگان دلسوز و ضدفساد شد، ایشان به بهانه هفته بسیج به یکی از شرکت‌های تابعه این کمپانی بدنام رفته و ضمن تمجید از عملکرد ایران‌خودرو و مدیرعامل جدید آن، مشروعیت اشتباهات بعدی این شرکت خودروسازی را فراهم نموده؟ سلسله مطالبی که به‌واسطه موجود بودن فیلم‌ها و تصاویر آنها، نتها قابل تکذیب نیست بلکه عین حقیقت است. در بخش دیگری از گزارش‌تان نیز به انتقادات اینجانب علیه عباس آخوندی، وزیر مسکن دولت روحانی اشاره کرده و مدعی شده‌اید که ادعاهایم درباره وی کذب بوده درحالی‌که بنده در فضای مجازی از وی خواستم تا درباره یک اتهام منتشر شده توسط یک اکانت توییتری، روشنگری کند که وی نیز پاسخ داد و در ادامه تهدید به شکایت کرد که به‌رغم گذشت نزدیک به دو ماه از این ماجرا، بنده همچنان منتظر

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



ادامه سه‌شنبه ۲۳ اسفند

موج تروریسم در پاکستان

عصر، عقد ازدواج بستگان [آقای علی مددی] یکی از محافظان را بستم. مهندس [سیدهادی] طباطبایی، معاون وزارت جهاد کشاورزی آمد. از اشکالات وزارت به‌خصوص پس از ادغام گفت و از وضع کشور، اظهار نگرانی کرد و خواست که من حضور بیشتری داشته باشم و درخصوص اختلافاش با آقای [مهدی] مفیدی، مدیرعامل طرح نیشکر اهواز توضیح داد. گفتم که حضورش را در امور شرکت، حفظ کند. با اینکه از اول در طرح، مسئولیت مهم داشته در مراسم افتتاح کارخانه نیشکر امیرکبیر حضور نداشت؛ به عنوان اعتراض به عمل آقای مفیدی، ولی من اسم ایشان را بردم و از این جهت ممنون هست. آقای [عبدالمجید] معادیخواه، [رئیس بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی] آمد. راجع به بنیاد تدوین تاریخ انقلاب، مذاکره شد.

شب مهمان رهبری بودم. در مورد اظهارات ایشان در دانشگاه امیرکبیر صحبت شد. گفتند، طرح مسأله براندازی و اطلاق محاربت بر آنها به منظور اخطار بوده و دانشجویان به خاطر اعلان قبلی از دانشگاه‌های دیگر هم آمده بودند و جمع بسیارخوبی بود و سه نفر عکس علی افشاری، [دبیر سیاسی دفتر تحکیم وحدت] را بلند کرده بودند و چون به خاطر رسیدن وقت نماز ظهر، صحبت ناتمام ماند؛ جلسه پاسخ به سوالات را دیروز در حسینیه امام خمینی برگزار کرده‌اند. در مورد انتخابات [ریاست‌جمهوری] صحبت شد. گفتند، آقای [سیدمحمد] خاتمی تاکنون درباره حضور در انتخابات با ایشان صحبت نکرده است. از وضع اقتصادی کشور نگران‌اند.

امشب، چهارشنبه‌سوری است و صدای انفجار ترقه‌ها و آتش‌بازی به صورت مداوم شنیده می‌شود. با بوی باروت، با اینکه مکرراً اخطار شده، ولی باز هم اقدامات خودسرانه زیاد است و ده‌ها مورد آتش‌سوزی و صدمات جانی پیش آمده؛ در خیلی از شهرها و شهرستان‌ها هم وضع چنین است. با اینکه ستاد مراسم غدیر، ده‌ها مورد ترتیب جشن و نورافشانی در پارک‌ها و میدان‌ها ترتیب داده بود تا مردم را از آتش‌سوزی چهارشنبه‌سوری منصرف‌کنند، تأثیری نداشته است.

رسانه‌های غربی از سفر آقای خاتمی، [رئیس‌جمهور] به روسیه و توافقات نظامی و هسته‌ای، اظهار ناراحتی می‌کنند و در داخل، انتقاد از قوه قضائیه، به خاطر بازداشت‌ها، زیاد است. امروز رسماً بازداشت ۲۱ نفر از ملی مذهبی‌ها و نیز آزاد شدن ۱۰ نفر از آنها اعلان شد. ۱۵۲ نفر از نمایندگان مجلس و تعدادی از احزاب، اقدام قوه قضائیه را محکوم کردند.

در پاکستان، موج تروریسم بعد از اعدام حق‌نواز، [قاتل شهید صادق گنجی، رئیس خانه فرهنگ ایران در لاهور پاکستان] شدت یافته و تاکنون بیش از ۵۰ نفر از این رهگذر جان باخته‌اند. در اندونزی، فشاری روی [عبدالرحمن] وحید، رئیس‌جمهور، برای استعفا زیادت‌ر شده است.

چهارشنبه ۲۴ اسفند

اصلاح متن مصاحبه با آقای صادق‌الحسینی

در خانه بودم. کمی هم تپ دارم. تمام روز به مطالعه گذشت. عفت و بچه‌ها به [باغ بسته محسن در جاده] سواه رفته بودند و ظهر هم نیامدند. اصلاح متن مصاحبه با آقای صادق‌الحسینی و مقدمه کتساب «امام علی (ع) در بیان هاشمی‌رفسنجانی» وقت زیادی گرفت. در رسانه‌های خارجی، پیگیری سفر آقای [سیدمحمد] خاتمی به روسیه و توافقات احتمالی مورد توجه است و معلوم است که غربی‌ها فشار را بر روسیه زیاد کرده‌اند که امتیازی به ایران ندهد و هنوز تحلیل درباره سخنرانی آقای خاتمی در مجلس را ادامه می‌دهند. رادیو [صدای] آمریکا از قول سران ضدانقلاب گفت که این سخنرانی را اگر آیت‌الله خامنه‌ای می‌کرد، مناسب بود و آقای خاتمی، انگار از طرف رهبری حرف می‌زد و روی عدم تأمین خواسته‌های مردم، مانور می‌دهند.

مفقودی مدارک (سرقت) (نوبت دوم)

کلیه مدارک خودرو سواری وانت نسیان به شماره انتظامی ۸۱- ۷۲۲ ب ۲۸ و شماره موتور ۳۱۸۷۲۴ و شماره شاسی H۰۱۶۱۸ به نام علی قشلاقی داودی فرایت باکدملی ۰۲۸۸۰۴۱۲۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

نوبت اول

آگهی فراخوان



شهرداری گلستان

شهرداری گلستان در نظر دارد نسبت به واگذاری تعداد یک دستگاه اتوبوس استا به شرکتهای واجد شرایط که به منظور فعالیت در زمینه حمل و نقل عمومی مسافر درون شهری به صورت خصوصی یا تعاونی تأسیس شده‌اند اقدام نماید علی‌احال متقاضیان میتوانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تماس: ۰۲۱۵۶۳۸۱۷۳۶ تماس حاصل فرمایند و نیز جهت دریافت اسناد از مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۴ به مدت دو هفته کاری به سازمان مدیریت حمل و نقل و مسافر شهرداری گلستان به آدرس: تهران شهرستان بهارستان شهر گلستان- بلوار شهید ابدام خیابان تختی انتهای حافظ ۴ مراجعه نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۰۴

سید محمد میرز مانی شهر دار گلستان

نوبت اول

شناسه آگهی ۲۰۸۱۰۲۷

فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای فشرده



به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز، کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگوین، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان طرحهای راه و ساختمان آخرین مهلت زمانی ارائه پاسخ استعلام ارزیابی کیفی به همراه پاکت کل(حاوی پاکت های (الف)، (ب) و (ج) ساعت ۱۲:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۵ و از طریق سامانه ستاد خواهد بود.پیشنهادهات مناقصه گران(صرفاً پاکت ارزیابی کیفی) در ساعت ۸:۳۰ روز دوشنبه ۱۴۰۴/۱۱/۰۶ گشایش یافته و پس از ارزیابی کیفی، پاکت پیشنهادات فنی مناقصه گرانی که حداقل امتیاز قابل قبول کیفی (۴۰ امتیاز)را کسب نمایند در ساعت ۸:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ گشایش خواهد شد. حضور نماینده مناقصه گران با معرفی نامه و کارت شناسایی معتبر در جلسه گشایش پاکت باناماع است.همچنین مناقصه گران می‌بایست ضمن بازگذاری الکترونیکی تصویر تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار در سامانه تا ساعت ۱۲:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۵ اصل تضمین مذکور را به صورت فیزیکی به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در آدرس: اهواز- کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگوین، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان سابق طرحهای راه و ساختمان تسلیم نمایند.

همزمان ارائه معرفی نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکتهای در همه مراحل لازم و ضروری می باشد. تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی از اسنادنامه شرکتها، آگهی تاسیس، آخرین تغییرات ثبتی و هر گونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می باشد.

محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها

از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت بعمل می‌آید ظرف مهلت مقرر در این فراخوان جهت دریافت اسناد و اعلام آمادگی از طریق سامانه ستاد و به نشانی www.setadfr.ir مراجعه نمایند تا ارزیابی‌های لازم وفق آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات(ارزیابی کیفی فشرده)بر روی مدارک ارسالی مناقصه گران بعمل آید. * مهلت اعلام آمادگی: بصورت الکترونیکی (غیر حضوری و) از ساعت ۸:۰۰ تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۶ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۰ بدیهی است کارفرما این حق را برای خود محفوظ می‌دارد به مدارکی که شرایط مندرج در متن آگهی و استعلام ارزیابی کیفی را لحاظ نموده اند ترتیب اثر ندهد.

WWW.NISOC.IRhttp://iets.mporg.ir

امور حقوقی و قرار داده‌ها – شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب